

تأثیر اقلیت‌گرایی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر نقش سلفیت)

محمد جهانی^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۵/۲۱

فصلنامه آفاق امنیت / سال ششم / شماره بیستم - پاییز ۱۳۹۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیت ملی در کشور، رویکرد خاصی از فرقه‌گرایی مذهبی مبتنی بر برجستگی هویت مذهبی و سیاسی شدن اقلیت مذهبی در جامعه است که عنوان «اقلیت‌گرایی مذهبی» معرّف آن است. این جریان با کارویژه و عقبه ایدئولوژیکی خاص خود به واسطه به چالش کشیدن هویت ملی، قطبی شدن جامعه را در پی دارد و در نهایت، انسجام ملی را مخدوش می‌کند. پژوهش حاضر برای رصد و تقریر تحلیلی و نظام‌مند این مسئله، نخست امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در چارچوب الگوی جامع امنیت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مورد کاوش و مطالعه تحلیلی قرار داده؛ پس از آن با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بیان آثار و پیامدهای ناشی از فعالیت بخش افراط‌گرای مکتب دیوبندی به عنوان یکی از جریان‌های سلفی فعال در کشور بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

واژگان کلیدی

اقلیت‌گرایی مذهبی، امنیت ملی، سلفی‌گری، جمهوری اسلامی ایران



مقدمه

اصطلاح «اقلیت‌گرایی» از مفاهیم جدید علوم اجتماعی و سیاسی است که به تبیین و تشریح جایگاه اقلیت‌های موجود یک جامعه در ساخت قدرت سیاسی می‌پردازد. این نگرش به مقولهٔ اقلیت‌ها که به طور عمده معطوف و برگرفته از وضعیت اجتماعی کشورهای کثیرالقوم است، تنوع در ابعاد مختلف را از پدیده‌های موجود جوامع بشری می‌داند که در حوزهٔ سیاست، معنی و مفهوم ویژه‌ای پیدا می‌کند. گاهی در تعریف و تعیین کارکرد اقلیت، مذهب محوریت می‌یابد؛ به این مفهوم که یک اقلیت، وابستگی به مذهب و آیینی خاص را که معمولاً ناهمسان و متمایز با مذهب اکثریت است، سنجهٔ تعیین هویت خود قرار می‌دهد. از سوی دیگر، کمتر کشوری در عصر حاضر از نظر دینی و مذهبی یکدست و دور از گسست‌های عقیدتی است. به عبارتی، پدیدهٔ «اقلیت‌های دینی- مذهبی»، موضوعی عام و فراگیر است که بسیاری از کشورها به نوعی با آن در ارتباط‌اند.

دین و مذهب همواره از نیرومندترین عوامل ایجاد نظم و ثبات در ابعاد گوناگون روابط اجتماعی و سیاسی بوده‌اند و باورهای مذهبی، تداوم اجتماع را از طریق معنابخشی به حیات جمعی و قاعده‌مندسازی مناسبات گروهی تضمین کرده‌اند. اما تفاسیر مختلف از دین موجب شکل‌گیری نحله‌ها، فرقه‌ها و دستجات مختلف شده که پیامد آن شقاق اجتماعی و بی‌ثباتی و ناپایداری سیاسی است. البته باید بین مفهوم «اقلیت مذهبی» و «اقلیت‌گرایی مذهبی» تفکیک قائل شد. «اقلیت‌های مذهبی» پدیده‌ای اجتماعی و فراگیر است که ضرورتاً حساسیت یا بار امنیتی ندارد؛ در حالی که «اقلیت‌گرایی مذهبی» مقوله‌ای سیاسی و از جنس تهدید است و در ارتباط مستقیم با قدرت و تصدی امر اعمال قدرت عمل می‌کند. اقلیت‌گرایی مذهبی ناظر بر وضعیتی است که نخبگان اقلیت خواهان به رسمیت شناختن مطالبات هویتی خود در بُعد مذهب‌اند و با تشدید هویت مذهبی و تأکید بر آن به عنوان وجه تمایز با بدنهٔ اصلی جمعیت کشور، ضمن جدا دانستن سرنوشت خود از اجتماع ملی، طیفی از مطالبات شامل سهم‌خواهی در مراکز اصلی قدرت سیاسی کشور تا جدایی‌طلبی و خودمختاری و حتی استقلال کامل را دنبال می‌کنند.

تلاش و کنکاش برای شناخت جریان‌های اقلیت‌گرای مذهبی در چنین چارچوبی اهمیت می‌یابد؛ زیرا اقلیت‌گرایان مسلح به سلاح پیشرفته و مجهز به دانش مبارزهٔ مدنی و مقاومت منفی می‌توانند ضمن مخدوش کردن وجههٔ اکثریت، هزینهٔ ادارهٔ



کشور را گران کنند. همچنین به واسطهٔ اخلال در وحدت و همبستگی ملی به عنوان پایه، اساس و لازمهٔ ثبات سیاسی، امنیت و پیشرفت همه‌جانبه جامعه، نظام سیاسی را از درون دچار چالش سازند.

بررسی عملکرد جریان‌های قومی و مذهبی در بحران‌های مناطق حاشیه‌ای کشور، حکایت از افزایش تدریجی توان آنها دارد. طی سال‌های اخیر، فعالیت‌های گروه‌های اقلیت‌گرا و افراط‌گرای مذهبی به ویژه گروه‌های افراط‌گرای سنی در داخل ایران و کشورهای همسایه تشدید شده است. به یقین چنین فرایندی آثار زیادی بر امنیت ملی ایران خواهد داشت. بستر داخلی این فرایند به وجود اقلیت‌های سنی‌مذهب در ایران باز می‌گردد؛ اما به موازات آن، جهانی شدن نیز شرایطی فراهم آورده است تا این شکاف‌ها برجسته و به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امنیتی کشور تبدیل شود. از مهم‌ترین نشانه‌های ظهور این افراطی‌گرایی جدید در چند سال گذشته ظهور تروریسم فرقه‌ای در نواحی شرقی و رشد جریان‌های سلفی با ایدئولوژی معارض تشیع در برخی استان‌های مرزی بوده است.

همچنین در دهه‌های اخیر، نگاه ابزاری قدرتهای استعماری به اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی در حوزه‌های مورد علاقه آنها پررنگ‌تر شده است. جوامع دینی و مذهبی به تناسب برجستگی مسائل دینی و مذهبی در آنها که متضمن و موجد افتراق، اختلاف و رقابت و در نتیجه به صورت بالقوه مستعد خشونت و درگیری است، همچون ابزاری ارزان در دست بیگانگان به منظور دستیابی به مطامع و نیت خویش نظیر تضعیف و تجزیه کشورها به بازی گرفته می‌شوند. در این راستا در سال‌های اخیر، قدرتهای فرامنطقه‌ای، به خصوص آمریکا و انگلستان، تلاش کردند نقشه سیاسی جدیدی در منطقه ترسیم کنند. طبق اقدامات آنها، این نقشه بر اساس وفاداری فرقه‌ای ترسیم خواهد شد.

اگرچه جریان معتدل مکتب دیوبندی از هرگونه افراط‌گرایی و درگیری‌های فرقه‌ای پرهیز و هواداران خود را به اعتدال دعوت می‌کند، اما در مجموع با وجود تحرکات رو به رشد جریان‌های اقلیت‌گرا در مناطق مرزی، در عرصه تهدیدهای نرم و سخت، گروه‌ها و جریان‌های افراط‌گرای منتسب به مکتب دیوبندی به عنوان یک جریان سلفی اقلیت‌گرا در ایران مقام و مرتبه بالاتر و توان تهدیدآفرینی بیشتری دارند. تمایل برخی دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و سرویس‌های اطلاعاتی آنان به حمایت از جریان‌ها و گروه‌های ضد شیعی و ضد ایرانی، فضای مطلوبی برای ایجاد و تعمیق



گسست قومی- مذهبی میان اهل سنت ایران با گرایش‌های قومیتی مختلف مانند بلوچی، ترکمنی و ... با نظام جمهوری اسلامی و گستراندن منازعات شیعه و سنی در کل کشور فراهم می‌کند. لذا توجه نکردن به موقع و دقیق ممکن است تهدیدهای امنیتی جبران‌ناپذیری برای کشور به دنبال داشته باشد.

۱. مبانی مفهومی

از آنجا که نظریه‌ها بر ارکان مفهومی استوارند و تحدید معنایی واژگان، پیش‌شرط طراحی نظریه‌ها و شناخت واقعیت‌هاست، لازم است ارکان مفهومی موضوع تبیین شود. مهم‌ترین مفاهیم مورد بحث عبارت‌اند از:

الف) امنیت ملی

امنیت و استمرار آن، از جمله آرزوها و خواسته‌های حیاتی بشر است. امنیت، هم به مثابه هدف و هم به عنوان وسیله برای جوامع مطرح است؛ بدین معنی که یک رشته اقدامات و تلاش‌های جوامع بشری برای تحقق این مهم، در راستای اهداف کلان معنی و مفهوم می‌یابد و از سوی دیگر، برقراری آن پیش‌نیاز اصلی و شرط اساسی تحقق سایر اهداف مهم همچون آزادی، توسعه و عدالت است (روحانی، ۱۳۸۹: ۲۵).

امنیت از لحاظ لغوی، برابر Security در زبان انگلیسی و «الامن» و «الامان» در زبان عربی است. در زبان فارسی به «ایمن شدن»، «در امان بودن» و «بی‌بیمی» تعریف شده (معین، ۱۳۷۱: ۳۵۴) و به همین سیاق، موضوع کار دستگاه‌های نظامی و انتظامی دانسته شده که از آنها به «امنیه» (همان: ۳۵۵) تعبیر می‌شود. در زبان عربی، مشتقات متفاوتی از آن ارائه شده که بر محور معنایی «اطمینان»، «در امان بودن»، «ضمانت و محافظت»، «حمایت» و «مورد اعتماد و اطمینان» (سیاح، ۱۳۷۱: ۴۹-۴۸) دلالت دارند. در زبان انگلیسی این مفهوم از واژه لاتین Securitas از ریشه Securus مشتق شده که به معنای رهایی از «ترس» یا «نگرانی»^۱ یا امان^۲، اطمینان^۳، حفاظت^۴ و صیانت^۵ به کار رفته است (گورالینک، ۱۹۸۲: ۱۲۸۸).

برخلاف معنای لغوی، در سطح اصطلاحی، مفهوم امنیت به دلیل نسبت، سیالیت و زمینه پروردگی، ناروشن و مبهم است. چنان که الی وی‌ور^۶ به درستی اظهار داشته است:

- 1 . Fear or Anxiety
- 2 . Safty
- 3 . Certainty
- 4 . Protection
- 5 . Defense
- 6 . Ole Waver



«امکان ارائه تعریفی پیشینی از امنیت وجود ندارد؛ بنابراین، مفهوم امنیت باید از حیث معنایی بازتعریف شود ... و هر بازیگری بتواند با ساختار و ملاحظات [بومی‌اش] آن را بازسازی کند ... گفتمان امنیتی اصولاً با مقتضیات بومی معنا و مفهوم می‌یابد» (وی‌ور، ۱۹۸۸: ۸۰-۷۹). لذا اهتمام به ارائه تعریفی استاندارد و واحد از امنیت برای تمام بازیگران، اصولاً ممکن نیست. دلیل این امر به «زمینه‌وندی»^۱ این مفهوم بازمی‌گردد (افتخاری، ۱۳۸۹ب: ۱۳) که فهم آن بدون درک شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی آن میسر نیست. مشکل ارائه تعریف استاندارد از امنیت، زمانی وضوح بیشتری می‌یابد که نسبت به ترکیب مفهومی امنیت و تولید واژگان جدیدی از آن (همانند امنیت ملی، امنیت اجتماعی و ...) اقدام شود. با بررسی اجمالی مشخص می‌شود که بیش از ۱۵۰ تعریف مختلف (از حیث معنا و بعضاً از نظر زبان‌شناختی) از امنیت ارائه شده (افتخاری، ۱۳۷۷: ۶۰-۲۷) که با گذر زمان در حال افزایش است.

همانند امنیت از امنیت ملی نیز تعریف‌های زیادی شده است. رابرت مندل امنیت ملی را چنین تعریف می‌کند: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است تا از تهدیدهای مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت کنند» (ماندل، ۱۳۷۹: ۵۲-۵۱). عمید زنجانی معتقد است امنیت ملی تعبیری است که معمولاً در مقابل امنیت دسته جمعی در سطح جهانی به کار می‌رود و مفهوم آن عبارت از امکان تعقیب آزادانه و مستقلانه هدف‌های ملی و فقدان خطر جدی برای منافع اساسی و حیاتی یک کشور است (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۳۱). در تعریف دیگر سه ویژگی برای امنیت ملی بیان شده است: ۱. حالتی است که ملتی فارغ از تهدید و با از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود به سر برد. ۲. توان ملتی در حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدهای خارجی؛ ۳. احساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های ملی و عدم ترس از خطر جدی خارجی نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵: ۲).

تعریف مد نظر این پژوهش: امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد (روشندل، ۱۳۸۰: ۱۴-۱۳).

ب) اقلیت‌گرایی مذهبی

پسوند «گرایی» در ادبیات فارسی از مصدر گراییدن به مفهوم گرایش، روی آوردن و علاقه‌مندی به کسی، چیزی و جایی است که در بسیاری متون ترجمه‌ای و فرهنگ واژه‌ها، آن را معادل ایسم^۱ انگلیسی (اصول، باور، مکتب، اصالت و رویه) دانسته‌اند. این واژه به طور عمده گونه‌ای کشش عقلی، عاطفی و ذهنی است که با مباحث هویتی و معرفت‌شناختی نسبت مستقیم می‌یابد. بی‌گمان بسیاری از بنیادهای نخستین هویت‌ساز افراد برگرفته از مؤلفه‌های آغازینی چون سن، جنس، کیش و مذهب، طبقه، پایگاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، محیط طبیعی و پیرامونی آنان بوده است. بسیاری از بنیادهای یادشده، تابع شرایط مکان و زمان‌اند؛ بنابراین همواره با نوعی شناوری و دگرگونی همراه بوده‌اند. شدت تحول مذکور، پیرو سنت‌های اجتماع، شرایط محلی، منطقه‌ای و جهانی، موقعیت جغرافیایی، سطح برخورداری از رفاه و فناوری اطلاعات و ارتباطات و ... است.

گذر زمان با بهره‌گیری فزاینده از فناوری‌ها و گستردگی آنها، شتاب و دگرگونی را در بنیادهای هویت‌ساز تسریع کرده است. دامنهٔ شتاب تحولات در فرهنگ و هویت بسیاری از جوامع نوپدید یا کهن، چنان گسست و دگرگونی به وجود آورده است که عموماً از آن با عنوان «بحران» یاد می‌کنند. دورانی که در آن فرارویتهای^۲ رنگ باخته‌اند، بسیاری از واژه‌ها، دانش‌واژه‌ها (اصطلاحات) و مکاتب خردپایه دوران مدرنیته در تبیین فضای عصر نو ناتوان‌اند. انسان و جماعت انسانی در پی آویختن به محملی است که راسخ و باثبات باشد و کمتر تابع شتاب و دگرگونی قرار گیرد. سیر تحولات کنونی نشان‌دهندهٔ روی آوردن انسان و جماعت‌های انسانی به مؤلفه‌های باثبات هویت‌سازی همچون مکان، محل، ناحیه و سرزمین است (کاویانی راد، ۱۳۸۹: ۵۳). با این وصف، اقلیت‌گرایی مذهبی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «حرکت‌هایی سیاسی که از درون حوزهٔ دین و مذهب، متفاوت با ایدئولوژی مرجع در جامعه‌ای معین، با هدف نقد ساختار قدرت موجود و به منظور افزایش میزان دسترسی پیروان آن مذهب به مناصب قدرت یا اصلاح الگوی ملی اعمال قدرت، پدیدار می‌شوند.» مفاهیم محوری در این تعریف عبارت‌اند از:

- اقلیت‌گرایی مذهبی یک «حرکت سیاسی» به معنای عام است؛ چنان که نسبتی با قدرت دارد و به صورت سلبی یا ایجابی با آن مرتبط می‌شود. در ضمن این ارتباط

1. Ism

2. Metanarrative



فقط در حوزه سیاسی تعریف نشده است و می‌تواند نمودهای فرهنگی، اقتصادی، ارتباطی و... داشته باشد (افتخاری، ۱۳۸۳ الف: ۸۷).

- کانون هویت‌بخشی آن را «مذهب» تشکیل می‌دهد و از این نظر از سایر گونه‌های اقلیتی زبانی و نژادی متمایز می‌شود.

- مبنای شناخت اقلیت و اکثریت دسترسی آن به «قدرت» است؛ لذا به «تعداد» توجه خاصی ندارد. بر این اساس، اقلیت نگرش «مذهبی» مقابل «مذهب مرجع» در یک واحد سیاسی به شمار می‌آید.

- سطح و میزان ارتباط این پدیده با ملاحظات سیاسی نیز لحاظ شده و در فراز پایانی تعریف «تغییر الگوی ملی اعمال قدرت» یا «افزایش میزان دسترسی پیروان آن مذهب به قدرت» به عنوان دو هدف اساسی این‌گونه حرکت‌های سیاسی مشخص شده است. بر این اساس، تمام فعالیت‌های اجتماعی که در چارچوب اصول مصوب ملی و به عنوان اقدامات صنفی مشخص می‌شوند، از این تعریف خارج‌اند و مصداق «اقلیت‌گرایی دینی» به شمار نمی‌آیند. در عوض، اقداماتی که به نوعی تغییر الگوی ملی اعمال قدرت را هدف قرار داده‌اند از قبیل خودمختاری، تجزیه‌طلبی و ... یا اینکه ساختار ملی را بر نمی‌تابند مانند تغییر نسبت‌های معین قانونی برای گروه‌های مذهبی مختلف در دسترسی به پست‌های ملی در درون حکومت یا مجلس و ... شکل‌دهنده اقلیت‌گرایی مذهبی هستند (افتخاری، ۱۳۸۳ الف: ۸۸-۸۷).

ج) سلفی‌گری^۱ (السلفیه)

اصطلاح سلفیه در آثار محققان مسلمان، عمدتاً در دو معنا به کار رفته است (نک: البوطی، ۱۳۸۹؛ الکثیری، ۱۴۲۹ ق): در معنای نخست، سلفیه بر کسانی اطلاق می‌شود که مدعی هستند در اعتقادات و احکام فقهی به سلف صالح اقتدا می‌کنند و در معنای دوم، که کاربرد آن به دوران بیداری مسلمانان در عصر حاضر بر می‌گردد، سلفیه به کسانی گفته می‌شود که برای بیداری مسلمانان و رهایی آنان از تقلید فکری غرب و اتکا و اعتمادشان به فرهنگ و تمدن دیرینه خویش و رجوع به قرآن و سنت، با نگاهی تازه و اندیشه‌ای نو برای حل معضلات و مسائل فکری جدید و استخدام فن و تکنیک و علوم تجربی بر مبنای فرهنگ اسلامی و تطهیر چهره نورانی اسلام از غبار بدعت‌ها و خرافه‌هایی که در طول چهارده قرن بر آن نشسته است، تلاش کرده‌اند.

آنها عنوان «سلفیه» را نشانی برای خویش قرار داده‌اند؛ به این معنا که «می‌بایست همه رسوباتی را که پاکی و صفای اسلام را به تیرگی مبدل ساخته و همه بدعت‌ها و خرافه‌ها و... را از اسلام دور کرد... تا دین اسلام به عنوان دین کار و تلاش و زندگی مورد توجه قرار گیرد» (البوطی، ۱۳۸۹: ۲۵۹-۲۵۸).

سلفی‌گری از منظر پژوهش حاضر، نوعی «جریان سیاسی» از درون حوزه دین و مذهب در تاریخ متأخر اسلامی به شمار می‌رود که در عین ارتزاق از سلف‌گرایی، مبتنی بر مناسبات خاصی از قدرت سیاسی با رویکرد منحصر به فرد است که در معنای کلان، بر تمام رهیافت‌ها و جریان‌های ایدئولوژیک «دولتی» و «غیردولتی»^۱ قابل اطلاق است و درصدد تجدید خلافت تاریخی و برساختن جوامع سنی‌مذهب بر پایه قرائت سلفی از اسلام است. در تعریف عملیاتی از مفهوم سلفی‌گری می‌توان آن را مقولهٔ مشکک و دارای مراتب دانست که در عالم خارج، طیفی وسیع از سلفی‌گری «سنتی» و «معتدل» تا «سلفی‌گری افراطی» را دربرمی‌گیرد (سید نژاد، ۱۳۸۹: ۹۸).

۲. چارچوب نظری

تبیین چگونگی تأثیرگذاری اقلیت‌گرایی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران منطقاً مستلزم اثبات اصل تأثیرگذاری این متغیر است. «زمینه‌وندی» امنیت مانع از آن می‌شود که فهمی واحد و الگوی مدیریتی یکسانی در امنیت‌پژوهی و امنیت‌سازی تجویز کرد. از آنجا که جوامع، ساخت اجتماعی متفاوتی دارند، به طور طبیعی امنیت را به صورت متفاوت درک خواهند کرد. لذا عنوان «امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» مبین این فرض مهم است که در جمهوری اسلامی، امنیت ملی معنا و مفهوم خاصی دارد که با توجه به ماهیت خاص و ایدئولوژیک نظام، با سایر نظام‌ها متفاوت است. از این منظر، جمهوری اسلامی، نظامی است توحیدمحور با تکیه بر معرفت‌شناسی ترکیبی و مبتنی بر اندیشهٔ اسلامی و مذهب تشیع. آرای امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که ایشان روایتی مکتبی از اسلام را مد نظر دارند و آن را چونان «مکتب» می‌شناسند. مکتب در این تلقی، نوعی صورت‌بندی بینشی است که پشتوانهٔ نظری و ایدئولوژیک تأسیس حکومت را تأمین و شیوهٔ توزیع قدرت، ثروت و حیثیت را در جامعه تعیین و توجیه می‌کند. این برداشت از مکتب، نزدیک‌ترین معادل برای ایدئولوژی است (پورسعید، ۱۳۸۹: ۴۳). با این وصف از نظام جمهوری اسلامی



و با توجه به کارویژه‌های جریان اقلیت‌گرایی مذهبی، در این قسمت تلاش می‌شود بر اساس آنچه تاکنون شرح آن گذشت و برای بررسی کارکردهای امنیتی ناشی از اقدامات و عملکرد جریان اقلیت‌گرایی مذهبی، الگویی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی از منظر رویکرد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری طراحی شود و با نگاه به کارویژه‌ها و شاخص‌های جریان اقلیت‌گرایی مذهبی، به محورهای اصلی تهدیدهای این جریان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی پرداخته گردد.

الف) اقلیت‌گرایی مذهبی و بُعد نرم‌افزاری امنیت ملی جمهوری اسلامی

اگرچه مبادی اندیشه‌ای توجه به بعد «نرم»^۱ پدیده‌های سیاسی و اجتماعی دارای ریشه‌های تاریخی طولانی است (افتخاری، ۱۳۸۷: ۲۲)، اما به طور مشخص، جمع‌بندی و نظریه‌پردازی جوزف نای^۲ که با طرح مفهوم «قدرت نرم»^۳ صورت گرفت، آغازگر تلاشی تازه در این حوزه ارزیابی می‌شود که همچنان ادامه یافته است. نای در مقام تبیین «قدرت نرم» معتقد است که این قدرت مبتنی بر جذابیت است؛ لذا هر منبعی که تولید جذابیت کند، می‌تواند در حوزه مطالعات قدرت نرم قرار گیرد.

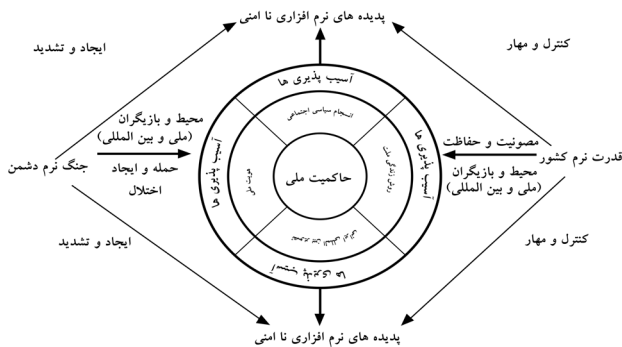
ادبیات تولیدشده در جهان که به طور مستقیم به موضوع امنیت نرم^۴ می‌پردازد، اندک و در حوزه‌ها و موضوعات خاصی متمرکز است (جمشیدیان، ۱۳۸۹: ۱۴). بر این اساس، دایره‌المعارف اینترنتی ویکی‌پدیا، امنیت نرم را در درجه اول، حوزه‌ای مرتبط با حفاظت از اشیا یا عناصر فیزیکی به شیوه‌ای ناملموس و مخفی و با استفاده از ابزارهای نرم‌افزاری می‌داند؛ اما از سوی دیگر، حوزه آن را نظام‌های اجتماعی پیچیده و دقیق بیان می‌کند. دایره‌المعارف ویکی‌میتبال^۵ نیز امنیت نرم را در درجه اول، متضاد امنیت سخت می‌داند. همچنین بیان می‌کند که امنیت نرم به جای استفاده از خشونت و حمله، بیشتر به دنبال دفاع و اقناع مردم علیه حمله است و کاهش صدمات را مد نظر دارد. امنیت نرم از نظر اجتماعی هنگام حمله نیز مؤثر است و کمک می‌کند تا انسان‌ها رفتار بهتری با هم داشته باشند و مانعی سر راه انسان‌هایی نشوند که ارزشی را به سیستم اضافه می‌کنند (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۹: ۱۵).

- 1 . Soft
- 2 . Joseph Nye
- 3 . Soft Power
- 4 . Soft Security
- 5 . Meatball Wiki

در چارچوب روش‌ها یا راهبردهای تأمین امنیت داخلی، چنانچه مرجع تأمین‌کننده امنیت کشور بیشتر از روش‌ها و راهبردهای غیرخشونت‌آمیز استفاده کند، برای مثال راهبردهای آن بر قدرت نرم و توسعه روش‌های نرم‌افزاری کنترل پدیده‌های امنیتی متکی یا بیشتر به دنبال تولید امنیت باشد، فضای امنیت داخلی در چنین کشورهایی بیشتر تحت پوشش امنیت نرم خواهد بود. علاوه بر این موارد، چنانچه در اهداف مرجع امنیت داخلی، بیشتر موارد نرم‌افزاری و غیرمادی مورد توجه قرار گرفته باشد، برای مثال ایدئولوژی دولت یا هویت ملی از اهداف مرجع اصلی باشد، این فضا بیشتر تحت پوشش امنیت نرم است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۸: ۴۷).

– الگوی جامع امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران

در الگویی کلان، امنیت نرم از چهار بخش اساسی «موضوعات مرجع امنیت»، «قدرت نرم کشور»، «جنگ نرم دشمن» و «پدیده‌های نرم‌افزاری ناامنی» تشکیل می‌شود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۴؛ ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۹: ۱۵).



نمودار ۱: الگوی کلان امنیت نرم

– موضوعات مرجع امنیت نرم

موضوعات مرجع امنیت نرم را باید به سه لایه اصلی تقسیم کرد. در این راستا «حاکمیت ملی» قلب و هسته مرکزی موضوعات مرجع را شکل می‌دهد؛ زیرا در شکل‌گیری سایر موضوعات مرجع، نقش اصلی دارد و موضوعات مرجع از نقش و گرایش‌های آن به شدت متأثرند. لایه دوم، انسجام سیاسی- اجتماعی است. این موضوع مرجع امنیت نرم، حلقه پیونددهنده و اتصال‌دهنده میان لایه اول و لایه سوم است؛ در واقع پیونددهنده دولت و جامعه است. لایه سوم یعنی روش زندگی ملت و



هویت ملی نیز از موضوعات دیگر مرجع جامعه پایه است.

با توجه به نوع رابطه میان موضوعات مرجع، انسجام سیاسی- اجتماعی به عنوان مرجع پیونددهنده، نقش اساسی دارد و هر گونه اختلال در این موضوع مرجع باعث گسست اساسی میان حاکمیت به عنوان موضوع مرجع دولت پایه با موضوعات مرجع جامعه پایه خواهد شد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۲۹).

نخست، حاکمیت ملی: محور بنیادی در حاکمیت ملی، ایده حاکمیت یا ایدئولوژی دولت است که اصول و عقاید اساسی و منطق راهنمای عمل یک رژیم محسوب می‌شود و ایدئولوژی به شدت تحت تأثیر ارزش‌های مورد قبول یا اشاعه رژیم با هدف جهت‌یابی برای کنش سیاسی است.

زمانی که در برابر ایده دولت، ایدئولوژی(های) مخالف شکل گیرد و ایده دولت را به چالش فراخواند و بخواهد مشروعیت ایدئولوژی حاکم را زیر سؤال ببرد، ایده دولت به عنوان موضوع هدف اساسی مرجع امنیت، به مسئله‌ای امنیتی تبدیل می‌شود. بر اساس طراحی مرجع امنیت، بزرگ‌ترین تهدید امنیت جمهوری اسلامی، تهدیدی است که هویت ایدئولوژیک آن را به خطر اندازد. چنانچه تهدیدهای نظامی، اقتصادی یا ... بتوانند خود را به سطح تهدید هویت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی برسانند، آن تهدید را می‌توان یک تهدید امنیتی محض دانست. بنابراین، ابعاد گوناگون تهدیدها با محوریت تهدیدهای هویتی (فرهنگی- سیاسی) مجموعه‌ای از تهدیدهای امنیتی را تشکیل می‌دهند؛ به عبارت دیگر، هویت‌های متعارض در فرایندهای ساختی، منشأ ناامنی و تهدیدهای امنیتی‌اند. البته ماهیت مذهب در مرجع امنیت یا هویت ایدئولوژیک در نظام جمهوری اسلامی، ماهیت و هویتی گسترده و در عین حال پیچیده است و هرچه این پیچیدگی بهتر درک شود، تهدیدها نیز به طور شفاف‌تر شناخته خواهند شد. یکی از وجوه این ماهیت، تمایل به مطلوب و توسعه است. امید به آینده، حرکت به سمت مطلوب، انتظار و ... نمادهای این وجهاند (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۲۲۳-۲۲۲). به بیان دیگر، تهدید ایده دولت در جمهوری اسلامی، یعنی اسلام و تشیع به مثابه مکتب، تهدید وجودی آن به شمار می‌رود؛ زیرا با گرفتن این ویژگی از جمهوری اسلامی، تفاوتی با سایر نظام‌های سیاسی دنیا نخواهد داشت.

دوم، هویت ملی: هویت^۱ در اصل واژه‌ای عربی، مرکب از «هو» (او) به معنی «کیستی» و «یت» به مفهوم «اتحاد با ذات و حقیقت خویش» است (الطایبی، ۱۳۷۸: ۳۳). «هویت»

همواره به عنوان ایده‌های معنابخش در جوامع بشری حضور داشته است. این مفهوم دو وجهی که بر اساس «تشابه» و «تمایز» عمل می‌کند (علیخانی، ۱۳۸۳: ۲۷)، دارای موضوعی گسترده و دامنه‌دار است. هویت علاوه بر تجسم بخشیدن به مجموعه‌های خودی و تفکیک آن از مجموعه‌های «دیگر»، کارویژه‌های مهم دیگری دارد. هویت را می‌توان اساسی‌ترین منبع شناخت عواطف، احساسات و سازماندهی رفتارهای جمعی و فردی درون جامعه دانست.

در حوزه امنیت ملی، هویت ملی بسیار مورد توجه است. در این چارچوب، هویت‌های گروهی و قومی نیز مطرح می‌شوند.

سوم، انسجام ملی: انسجام ملی عبارت است از اتحاد آحاد مردم یک کشور، اعم از اشخاص، جناح‌ها، احزاب، گروه‌های روشنفکری، سیاستمداران و مسئولان، که از هر گونه کشمکش و ایجاد تفرقه داخلی و نفاق دورند و مانع نفوذ دشمن به داخل مرزهای خویش می‌شوند؛ هرچند ممکن است این جماعت از نظر اعتقادی و مذهبی یا گرایش‌های فکری متفاوت باشند (مانچ، ۱۹۹۳: ۱۱۹).

حفظ وحدت و همبستگی از جمله ارزش‌های اساسی در نظام جمهوری اسلامی است؛ به نحوی که در بندهای متعددی از قانون اساسی بدان اشاره شده است: «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به ... که از راه ... همبستگی ملی را تأمین می‌کند ... در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند ... زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است ... شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه نظارت شوراهای مذکور و سلسله‌مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین می‌کند» (اصول ۲، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۰۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

چهارم، روش زندگی: روش زندگی، در واقع محیط فرهنگی و نهادی یک جامعه را انعکاس می‌دهد و از این جهت، با هویت ملی و ایدئولوژی دولت ربط وثیق دارد و حوزه گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد. اصلی‌ترین و مهم‌ترین معیار تحلیل و ارزیابی امنیت نرم در هدف مرجع روش زندگی، «هنجارها در بافتار امنیت نرم» هستند. هنجارها یک مرحله قبل از رفتارها و پدیده‌های امنیتی قرار دارند؛ مواد آنها از عقاید، دانش، سنت‌ها، باورها و ارزش‌ها تشکیل می‌شود و عامل شکل‌دهنده یا دست‌کم تأثیرگذار ذی‌نفوذ بر رفتارهای راهبردی، منافع، اهداف و سیاست‌های امنیت ملی‌اند.



پنجم، تصویر و وجهه بین‌المللی نظام: «اعتبار» و معروفیت یک بازیگر به حُسن شهرت، یکی دیگر از مؤلفه‌های مرجع در امنیت نرم محسوب می‌شود که عامل بسیار مؤثری در فراهم آوردن زمینه برای پیشبرد اهداف بازیگر مذکور و پذیرش سهل و آسان دیدگاه و اعمال آن از سوی سایر بازیگران است. در صحنه بین‌المللی، شاید بتوان گفت در ساخت تصویر از یک کشور، آنچه بیش از «نفس اقدامات» یک نظام اهمیت دارد، «برداستی» است که مخاطبان از رفتار و نیت نظام مذکور در انجام آن رفتار دارند. در دنیای امروز این مخاطبان، نه تنها دولت‌ها به عنوان اصلی‌ترین بازیگران صحنه بین‌الملل، بلکه سایر بازیگران همچون افکار عمومی جهانی، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی و همچنین برخی گروه‌های مرجع در جوامع هستند (مانند قشر نخبه و فرهیخته، به خصوص افراد و نهادهایی که از مقبولیت و اعتبار بین‌المللی برخوردارند و رفتار و گفتارشان در صحنه جهانی تأثیرگذار است). در این چارچوب، اصلی‌ترین مخاطبان برای جمهوری اسلامی، در درجه اول افکار عمومی مسلمانان، سپس افکار عمومی جهانی و در درجه بعدی نخبگان و فرهیختگان معتبر جهانی و در نهایت، دولت‌های غیرسلطه‌گر در جهان مبنای ارزیابی اعتبار و وجهه بین‌المللی هستند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۴).

– قدرت نرم کشور

قدرت نرم را با چهار رکن اساسی می‌توان معنا کرد: کارآمدی حکومت، سرمایه اجتماعی، اقتدار و جذابیت.

نخست، کارآمدی حکومت: کارآمدی حکومت که یکی از عناصر و ارکان اصلی قدرت نرم است، ارتباط وثیق و مؤثری با امنیت نرم دارد. کارکردهای اصلی این بازوی امنیت نرم در مهار تهدیدهای نرم، پدیده‌های نرم‌افزاری ناامنی و ترسیم‌کننده آسیب‌پذیری‌ها و حفاظت‌کننده و تقویت‌کننده موضوعات مرجع امنیت نرم است. کارآمدی، رابطه میان وظایف، تعهدات و فعالیت‌های حکومت از یک سو و انتظارات، نیازها و ضرورت‌های زندگی مردم یک جامعه از سوی دیگر است.

دوم، سرمایه اجتماعی:^۱ سرمایه اجتماعی، «سرمایه‌ای است نامحسوس در یک اجتماع که در طول زمان و بر اساس عقلانیت و نیک‌خواهی شکل می‌گیرد و منشأ آن، هنجار و اعتماد در ارتباط متقابل انسانی است که در ساختار رهبری، خانواده و سازمان قابل مشاهده است». سرمایه اجتماعی را به صورت کوتاه و ساده‌تر می‌توان

چنین تعریف کرد: «وجود روابط عمیق و گسترده میان افراد جامعه.» روابط عمیق، به معنای وجود اعتماد؛ و گستردگی روابط در جامعه، نشانه وجود شبکه اجتماعی روابط متقابل در جامعه است (ردادی، ۱۳۸۹: ۵۶). نتیجه سرمایه اجتماعی، نوعی اطاعت آگاهانه شهروندان از نظام سیاسی است. تخریب و تضعیف در بعد داخلی موجب فاصله گرفتن مردم از نظام سیاسی و قدرت گرفتن جریان‌های مخالف برای بسیج جامعه می‌شود و در بُعد خارجی زمینه اعمال فشارهای بیشتر و حمایت از جریان‌های مخالف داخلی را فراهم می‌کند (گروه مطالعات جنگ نرم، ۱۳۸۸: ۲۷). از آنجا که امنیت با رویکرد ایجابی در اقتضات امروزی مبتنی بر اقتناع، تعامل و پذیرش (و نه سلطه، تحمیل و تسلیم) است، لذا سرمایه اجتماعی، وضعیت حیاتی برای یک نظام سیاسی پیدا کرده است؛ زیرا سرمایه اجتماعی مبنای شکل‌گیری هویت جمعی او و وحدت و همبستگی ملی است.

سوم، اقتدار: اقتدار سومین رکن قدرت نرم است که از ترکیب سلطه اطلاعاتی و سلطه روانی بر بازیگران ناامنی‌ساز و به عبارتی به صورت حضور نامحسوس عامل مقتدر نزد بازیگران ناامنی‌ساز ظاهر می‌شود. مرکز ثقل اقتدار نیز همان سلطه اطلاعاتی و روانی بر بازیگران ناامنی‌ساز است؛ به گونه‌ای که اشراف و نفوذ اطلاعاتی سطح بالا بر اعمال مجرمانه بازیگران ناامنی‌ساز قبل از وقوع جرم، کشف جرم و مقابله با جرم را موجب شود و از سوی دیگر، همواره ترسی مستمر و دائمی را در وجود مجرمان یا بازیگران ناامنی‌ساز از وجود احتمال بالای کشف مجرمانه آنان و تنبیه همراه داشته باشد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۶).

چهارم، جذابیت: چهارمین رکن قدرت نرم، جذابیت کارگزار قدرت نرم است. جذابیت به معنای احترام و منزلت کارگزار و امنیت نزد مخاطب است (جزینی و علیزاده، ۱۳۹۰: ۲۷).

- جنگ نرم

رویارویی بازیگران امنیتی‌ساز به «روش نرم‌افزاری» و دارای «پیامدهای غیرکشنده» و با قصد صدمه زدن به موضوعات مرجع امنیت نرم را می‌توان جنگ نرم معنا کرد. جنگ نرم، تهاجمی راهبردی، سازمان‌یافته و هدفمند است که طبق طرح و برنامه‌ای جامع و بر مبنای اصول، مبانی و خصلت‌های فنون اقدام نرم، طی مجموعه‌ای از مراحل منطقی (حساب‌شده) و منسجم انجام می‌گیرد (ساجدی، ۱۳۸۸: ۳۰). برداشت اولیه



ما از جنگ نرم، الگویی چهار مؤلفه‌ای است: تغییر سیاسی، مهندسی شده بودن، عامل خارجی و آماج و ابزار (گروه مطالعات جنگ نرم، ۱۳۸۸: ۹).

ب) اقلیت‌گرایی مذهبی و بُعد سخت‌افزاری امنیت ملی جمهوری اسلامی
برداشت سخت‌افزارانه از امنیت ملی در انطباق کامل با دیدگاه «قدرت سخت» است. مطابق این دیدگاه، «قدرت سخت» عبارت است از توان اجبار الف برای تغییر دادن رفتار ب، با توسل به اقدامات، ابزارها و تصمیم‌های آشکار و مستقیم (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۳۰). مبانی نگرشی رئالیستی، مهم‌ترین منبع فکری قدرت سخت است. در این نگاه، بی‌اعتمادی بین بازیگران (افراد، گروه‌ها و دولت‌ها) و به طور کلی شریر و پلید خواندن انسان‌ها و دولت‌ها، اصلی حیاتی است. این بی‌اعتمادی، توسل به ابزارهای عینی، مستقیم و در دسترس را تجویز می‌کند؛ چون به مبانی ذهنی، غیرمستقیم و دور دست قدرت، اعتمادی وجود ندارد. همچنین مهم‌ترین بازیگر عرصه داخلی و فراملی، دولت است و اصلی‌ترین قاعده بازی دولت عبارت است از: کسب، حفظ و گسترش قدرت (عینی) در راستای منافع ملی. از این منظر، هر گاه به موجب اقداماتی، استقلال، حاکمیت، تمامیت ارضی، جمعیت، منابع، تأسیسات و ... یک کشور در خطر (بالفعل یا بالقوه) هجوم نیروهای نظامی کشور دیگر یا اتحادی از کشورهای جهان یا گروه‌های معارض مسلح داخلی قرار گیرد، مورد تهدید سخت واقع شده است (آرکگل، ۱۳۷۹: ۴۵).

– الگوی سخت‌افزارانه امنیت ملی

مفروض بنیادین این الگو متناسب با معنای لغوی «تهدید» و بر «ماهیت تهدید» استوار است که از آن به «خطر تولیدشده از سوی بازیگران دیگر نسبت به منافع بازیگر خاص» تعبیر می‌شود. در سطح سخت‌افزارگرایانه، تهدید بودن یا تهدید نبودن یک پدیده در ارتباط مستقیم با میزان توانمندی بازیگر در مقابله با آن است (افتخاری، ۱۳۹۰: ۱۴۰-۱۳۹). بنابراین در این سطح شاهدیم که پدیده‌ها متناسب با توان بازیگران، موصوف به عنوان «تهدید» یا «فرصت» می‌شوند.

الف) موضوعات مرجع: از قدرت سخت، سرزمین و ... می‌توان به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های بقای دولت در بحث اهداف مرجع امنیت سخت‌افزاری نام برد. فیزیک دولت نیز یکی دیگر از اهداف مرجع امنیت سخت‌افزاری است و منظور از آن مجموعه‌ای از



زیرساخت‌های حیاتی، دارایی‌های کلیدی و فضای حیاتی عمومی و حکومتی کشور است؛ مثل زیرساخت‌های ارتباطی، حمل و نقل و انرژی (قلی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

هدف مرجع فیزیک دولت را می‌توان به زیرساخت‌های حیاتی، دارایی‌های کلیدی و فضای حیاتی عمومی و حکومتی یک کشور معنا کرد. در اینجا زیرساخت‌ها و دارایی‌های عمومی به معنای مواردی است که مدیریت عالی آن در اختیار دولت و منابع، درآمدها یا خدمات آن متعلق به آحاد ملت است. در این راستا، زیرساخت‌های ارتباطی، حمل و نقل، انرژی و دارایی‌های کلیدی در حوزه حکومتی و عمومی جمهوری اسلامی ایران هستند [مانند منابع نفتی و گازی و فیزیک بیت رهبری و ریاست جمهوری]. بنابراین، هر گونه تهدیدی که آماج آن هدف مرجع مذکور باشد، به عنوان تهدید علیه امنیت ملی تلقی خواهد شد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

ب) قدرت سخت^۱: قدرت سخت با قدرت فرماندهی^۲ مترادف است که بر توسل به زور و تشویق متکی است. این نوع قدرت، طیفی از رفتارها را از صدور دستور^۳ تا تهدید و اجبار^۴ با استفاده از منابع، تطمیع، الزام، رشوه و تنبیه می‌رساند.

ج) جنگ سخت^۵: به‌کارگیری قدرت سخت یا امکانات و قوای مسلح و نظامی و استفاده از شیوه‌های خشن برای تخریب و نابودی منافع، امنیت و ارزش‌های حیاتی یک یا چند بازیگر دیگر که به صورت فیزیکی، عینی و بی‌رحمانه انجام می‌شود (سنایی راد، ۱۳۸۹: ۲۹-۲۸).

د) تهدید سخت^۶: هرگاه امنیت، منافع و ارزش‌های حیاتی کشور یا گروهی در معرض خطر (بالقوه یا بالفعل) هجوم نظامی کشور دیگر یا اتحادی از کشورهای خارجی قرار گیرد، تهدید سخت شکل می‌گیرد که هدف آن، اشغال یا تخریب علیه سرزمین یا نظام سیاسی است. تهدیدهای سخت در چنین فضایی، متکی به روش‌های فیزیکی، عینی، سخت‌افزارانه و همراه با اعمال و رفتارهای خشونت‌آمیز، براندازی آشکار و با استفاده از شیوه زور و اجبار و حذف دفعی و اشغال سرزمین است. این تهدیدها عمدتاً محسوس، واقعی و عینی و با واکنش‌های فیزیکی است. بنابراین «تهدید سخت عبارت است از اعمال قدرت نظامی برای تحمیل اراده و تأمین منافع یک یا چند بازیگر» (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۹۳).

1 . Hard Power

2 . Command Power

3 . Command

4 . Coercion

5 . Hard War

6 . Hard Threat



۳. گونه‌شناسی سلفی‌گری

هرگونه تقسیم‌بندی، ارتباط نزدیکی با نوع هدف محقق از تقسیم‌بندی دارد. اینکه محقق به چه منظوری و با چه هدفی به طبقه‌بندی روی می‌آورد، می‌تواند گونه‌شناسی‌های مختلفی را موجب شود. بنابراین به صورت اجمالی به جریان‌شناسی سلفیت در جهان اسلام و به تبع آن در ایران می‌پردازیم.

بر پایه بررسی‌ها و مطالعات صورت‌گرفته، سلفیه در جهان اسلام را ابتدا بر اساس نوع نگاه و رویکردی که به تشیع به عنوان «دگر» خود دارد، به دو جریان سلفیت قائل به تقابل با تشیع و سلفیت قائل به تعامل با تشیع تقسیم می‌کنیم. دسته اول دو رویکرد عمده تکفیر و مشرک دانستن تشیع را در دستور کار دارد و دسته دوم تشیع را جزء مذاهب اسلامی اما منحرف می‌داند. البته باید دانست که این نگاه‌ها مربوط به زمان شکل‌گیری این جریان‌هاست و در حال حاضر در هرکدام از جریان‌ها گروه‌های جدیدی با نگاه متفاوت از جریان اصلی پدید آمده‌اند. وجه عملی رویکردهای فوق نیز دارای طیفی از اقدامات تقریبی و تبلیغی تا اقدامات رادیکال و ارهابی در مواجهه با تشیع است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

الف) سلفیت قائل به تقابل با تشیع

– سلفیه وهابی (سلفیه قائل به کافر بودن تشیع)

افراطی‌ترین گروه سلفیه وهابیان هستند. آیین وهابیت، به ظاهر زائیده اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب (۱۲۰۶-۱۱۱۵ هـ) نجدی است؛ ولی ریشه‌های آن به احمد ابن تیمیه حرانی (متوفای ۷۲۸ هـ) مربوط می‌شود و نگاشته‌های او بنیادهای اعتقادی وهابیان را تشکیل می‌دهد. موضوعاتی چون مبارزه با تقلید و مذهب‌گرایی، درگیری با دو جریان مذهبی امامیه و صوفیه و بدعت خواندن برخی باورها و سنت‌های آنان از ویژگی‌های حرکت وهابی است. ابن عبدالوهاب با تصویری که از توحید ارائه داد، بسیاری از مسلمانان از مذاهب گوناگون و پیشاپیش همه، امامیه را در معرض انتساب به شرک و تکفیر قرار داد (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۱۹۵).

وی در رساله نواقض الاسلام، ده چیز را ناقض اسلام دانسته و به کفر مرتکب آنها فتوا داده است: یکم، شرک در عبادت خدا، مانند ذبح کردن برای غیر خداوند که به عقیده او بسیاری از مسلمانان مشمول آن هستند. دوم، کسی که میان خود و خداوند



واسطه‌ای قرار دهد و آن واسطه را بخواند و از وی طلب شفاعت کند، به اجماع علما کافر است. سوم، کسی که مشرکان را تکفیر نکند یا در کفر آنان تردید کند یا عقیده آنها را درست بیندارد، کافر است.... هشتم، کمک به مشرکان و یاری رساندن آنان علیه مسلمانان، کفر است.... او در همه این موارد تنها به مسلمانان نظر داشته است!

هرچند وهابیت زادگاه و بستری عربستانی دارد، اما امروز در اقصی نقاط جهان شاخه‌های متعددی یافته است. در حال حاضر وهابیت جدید را می‌توان به سه شاخه حکومتی (سنتی- درباری)، میانه‌رو (تبلیغی) و ارهابی تقسیم کرد.

نخست، وهابیت حکومتی (سنتی- درباری): وهابیون سنتی در واقع همزاد و شریک حکومت هستند. آنان مجموعه‌ای از علمای مختلف محافظه‌کار مانند محمد الشقره، عبدالله الغفاری، فیصل نور، ناصر القفاری، بن باز و ... هستند که مسئولیت‌های مختلف مذهبی و فرهنگی در عربستان سعودی دارند و دانشگاه‌ها، مؤسسات خیریه، هیئت علمای بزرگ، سازمان جهان اسلام، انتشارات، جراید و سایت‌های متعددی را در داخل و خارج از شبه‌جزیره هدایت می‌کنند (ناظمی قره‌باغ، ۱۳۹۱: ۱۲۰). برخی از سازمان‌ها و نهادهای منتسب به وهابیت حکومتی عبارت‌اند از: سازمان امر به معروف و نهی از منکر عربستان؛ سازمان «الرابطه العالم الاسلامی»؛ بین دانشگاه‌های هفت‌گانه سعودی سه دانشگاه بزرگ برای تحقیقات و آموزش در علوم اسلامی و عربی است: الجامعه الاسلامیه در مدینه منوره، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه در ریاض، جامعه ام‌القری در مکه مکرمه؛ سرانجام «دانشگاه اسلامی مدینه منوره».

این جریان در حال حاضر به دنبال جذب و آموزش اعتقادات وهابیت به جامعه نخبگانی اهل سنت ایران به ویژه از طریق دانشگاه مدینه و اعزام مجدد آنان به داخل کشور برای تزریق اعتقادات وهابیت به بدنه اهل سنت است.

دوم، وهابیت میانه‌رو (تبلیغی): وهابیت میانه‌رو به دنبال آن است که وهابیت را در بستری معقول‌تر و به‌روزتر بسط دهد و در برابر افراطی‌گری وهابیت حکومتی و ارهابی رویکرد جدیدی طرح کند. آنان شخصیت‌های منفردی هستند که به مرور زمان همگرایی یافتند و دارای گرایش‌های مختلف انتقادی اما ملایم در مقایسه با وهابیت حکومتی و ارهابی هستند. این دسته از سلفی‌ها با تمدن اسلامی، علوم انسانی و علوم جدید تا حدی آشنایی دارند و در تلاش‌اند به نحوی بین اعتقادات وهابیت و مظاهر جدید تمدن غرب، آشتی برقرار کنند. این جریان در حال حاضر انبوهی از پایگاه‌های



اطلاع‌رسانی الکترونیک و نشریات مختلف را در اختیار دارد و بدین وسیله در تلاش برای تقویت وهابیت است. برخی شخصیت‌های میانه‌رو وهابی مانند «سلمان العوده، سعد الغامدی، ناصر العمر، سفر الحوالی، اصغر علی السلفی، سعود الفنیسان و ...» بیشتر به گفت‌وگو و اجتناب از توهین آشکار پای‌بند هستند.

سوم، وهابیت اרהابی-افراطی: وهابیت اרהابی آن دسته از سلفی‌های افراطی هستند که بر اساس آموزه‌های سنتی وهابیت و نیز تفسیری خاص از گرایش‌های سلفی مصری، پذیرش همه انحای حکومت و حاکم را در جامعه مسلمانان نمی‌پذیرند و برای رهایی جامعه اسلامی، جهاد علیه حکومت‌های فاسد را لازم می‌دانند. این جریان خود به دو گروه وهابیت تکفیری و جهادی قابل تقسیم است.

وهابیت جهادی: وهابیت جهادی اعتقادات پایه وهابیت را اجمالاً می‌پذیرد ولی با تأثیرپذیری زیاد از جریان‌های جهادی منتسب به اخوان‌المسلمین مصر آن را با دیدگاه‌های آرمان‌گرایانه سایر سلفی‌ها مانند دیدگاه‌های جهادی سید قطب پیوند می‌زند. اولویت مبارزه در این جریان یهودیان و صلیبیون و پس از آن شیعیان هستند. از سازمان القاعده جهانی می‌توان به عنوان مهم‌ترین گروه جهادی نام برد.

وهابیت تکفیری: مهم‌ترین نوع سلفی‌گری، وهابیت تکفیری است. وهابیان نه تنها به جرم اعتقاد شیعیان به زیارت، بسیاری از زائران را در کنار مرقد امام حسین (ع) در کربلا سر بریدند، بلکه در شهرهای نجد و حجاز و سوریه که مردم از اهل سنت بودند نیز به جنایات فجیعی دست زدند. البته وهابیت تکفیری فقط مربوط به گذشته نیست؛ امروز نیز شیعه و اهل سنت در نگاه وهابیان معاصر کافر شمرده می‌شوند. امروزه وهابیت تکفیری عملاً به عنوان حامی اصلی و پشتیبان بسیاری از گروه‌های تکفیری در جهان اسلام محسوب می‌شود. در داخل ایران از گروه‌هایی مانند انصارالسنه، انصارالاسلام، توحید و جهاد کردستان و ... می‌توان به عنوان گروه‌های وهابی تکفیری اרהابی نام برد. ترور ماموستا «محمد شیخ‌الاسلام»، نماینده مردم کردستان در مجلس خبرگان رهبری، ماموستا «برهان‌الدین عالی»، امام جمعه موقت سنندج، و همچنین قضات دادگستری در شهرستان سنندج در سال ۱۳۸۸ ناشی از آثار افکار انحرافی این گروه‌هاست. در حال حاضر آنچه واضح است اینکه وهابیت به مفهوم فردی که در افکار و عقاید پیرو ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب باشد در کشور بسیار اندک است؛

– دیوبندیه شبه‌قاره (سلفیه قائل به خرافی بودن تشیع)

در سال ۱۸۵۷م / ۱۲۷۳ق قیام مسلمانان هند علیه انگلستان به شدت سرکوب و باعث ایجاد گرایش‌های متفاوتی بین مسلمانان هند شد. یکی از این گرایش‌ها، بازگشت به اسلام بود که عده‌ای قائل شدند بدبختی ما و حضور کافران در هند و تسلط آنها بر مسلمانان به علت توجه نکردن صحیح به اسلام است؛ بنابراین بهترین راه، بازگشت به اسلام است. این تفکر بعدها با نام دیوبندیه شناخته شد که محمدقاسم نانوتوی آن را راه‌اندازی کرد. بنیان‌گذاران دیوبند عمیقاً تحت تأثیر شاه ولی‌الله دهلوی بودند. شاه ولی‌الله که هم‌عصر محمد بن عبدالوهاب بوده است، برخی دروس دینی را در مدینه نزد ابوطاهر محمد بن ابراهیم، شارح افکار و اندیشه‌های ابن تیمیه، آموخت.

گسترش فعالیت‌های آموزشی دیوبندیان زمینه را برای شکل‌گیری جریان‌های گوناگونی با رویکردهای متفاوت از میان فارغ‌التحصیلان آن فراهم کرد. به طور کلی جریان‌های دیوبندیه در قالب سه جریان و رویکرد اصلی زیر قابل رده‌بندی‌اند:

یک، سلفیه اراهایی-افراطی: سلفیه هند به خصوص با شیعه با خصومت رفتار می‌کنند. علت این امر تفکرات ضد شیعی خانواده شاه ولی‌الله دهلوی است. شاه ولی‌الله کتابی به نام ازالة الخفاء در نقد شیعه نوشت و شاه عبدالعزیز دهلوی نیز کتاب تحفه اثنی‌عشریه را با تندی تمام در نقد شیعه تألیف کرد. این دو کتاب اثر عمیقی در تندروی اهل سنت سلفی حنفی شبه‌قاره هند در قبال شیعیان داشته‌اند.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دشمنان جمهوری اسلامی ایران برای مهار آن دست به دامن جریان‌های ضد شیعی مختلف از جمله سلفیان شبه‌قاره شدند. بر اثر فعالیت این طیف، اختلاف میان شیعیان و اهل سنت چنان شدت گرفت که حتی گفته شده است جریان تندروهای سلفی و دیوبندی در پاکستان پیش از گشودن پروژه مقابله با غرب مسیحی، علیه تشیع در پاکستان جبهه گشود (محمودی، ۱۳۸۷: ۱۵). از سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، طالبان پاکستان، گروهک جند الشیطان، گروهک جیش العدل، سپاه صحابه ایران، گروهک الفرقان و ... که به طور رسمی شیعیان را کافر اعلان می‌کنند و هر بار جنایت‌های فجیعی به خصوص در مناطق شرقی کشور انجام می‌دهند، می‌توان به عنوان گروه‌های تکفیری این جریان نام برد.

دوم، سلفیه میان‌ه‌رو (تبلیغی): «الدعوة و التبلیغ»، «جماعت التبلیغ» یا به زبان اردو «تبلیغی جماعت» سازمانی است که از دل مدارس دیوبند بیرون آمد (فرمانیان، ۱۳۸۷: ۱۷۳). این جریان را که از پرنفوذترین و فراگیرترین جنبش‌های اسلامی



معاصر است، شیخ محمد الیاس کاندهلوی (متولد ۱۳۰۳ ق) از فارغ‌التحصیلان دیوبند پایه‌گذاری کرد. این جنبش به منظور تبلیغ اسلام، از منطقه‌ای به نام میوات نزدیک دهلی کار خود را آغاز کرد و به تدریج در سراسر هند و بعدها شبه‌قاره و حتی سایر کشورها گسترش یافت؛ به گونه‌ای که امروزه در جهان شناخته شده است. هدف اصلی این جریان حفاظت از هویت اسلامی و محافظت از نظام اخلاقی ضد انحراف و بدعت‌ها بیان شده است. محتوای تبلیغ آن عبارت است از: اصول شش‌گانه دعوت (ایمان، نماز، علم، ذکر، اکرام مسلمان، خلوص نیت، تفریح وقت)؛ اصول دوازده‌گانه حین تبلیغ (دعوت، عبادت، تعلیم، خدمت و ...)؛ منابع علمی جماعت تبلیغ (کتاب فضایل الاعمال مولانا ذکریا کاندهلوی که شامل ۹ بخش است: حکایت صحابه، فضایل ذکر، فضایل نماز، فضایل تبلیغ، فضایل قرآن و ...).

سوم، سلفیه تقریبی-جهادی: یکی از جریان‌های برآمده از دل مکتب دیوبند حرکتی است که ابوالاعلی مودودی آن را پایه‌گذاری کرد. سید ابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹م / ۱۲۸۲-۱۳۵۸ش) از متفکران و دانشمندان بلندآوازه معاصر جهان اسلام بود که اندیشه و آثار وی محک اسلام‌گرایان در مبارزه علیه ناسیونالیسم، نفوذ غرب، رهبران کشورهای اسلامی امروزی و تحجرگرایی مذهبی و رهبانیت است. مودودی در اندیشه و عمل مبانی حکومت‌های اسلامی امروزی را که بر مبنای حکومت‌های غربی با نوعی گرایش ناسیونالیستی شکل گرفته بودند، به چالش کشاند. به همین علت رهبران کشورهای اسلامی را که به نظر او غرب‌زده بودند، مورد نقد قرار داد و چون هیچ‌یک از حکومت‌های کشورهای اسلامی امروزی را حکومت اسلامی واقعی نمی‌دانست، تلاش خود را برای تشکیل حکومت اسلامی آغاز کرد. او در ابتدا در سال ۱۹۳۸م (۱۳۵۷ ق) مؤسسه دارالسلام و سپس در سال ۱۹۴۱م (۱۳۶۰ ق) جماعت اسلامی را برای این کار تأسیس کرد و به حق تأثیر فراوانی در این راه بر پاکستان گذاشت. ابوالاعلی مودودی با نگاهی نو به مسائل دینی و مذهبی و با شکستن مرزهای باورهای جزمی سلفی و ارائه برداشت‌های نو و متفاوت، برخی باورهای سلفیه را به نقد کشیده است و از بنیان‌گذاران جریان نوسلفیه به شمار می‌آید. وی «جاهلیت» را از دوره پیش از بعثت به فرهنگی فرازمانی تعریف و ویژگی‌های آن را مطرح کرد. مودودی با ارائه الگوی «تئودموکراسی» و مطرح کردن نظریه «جواز خروج بر حاکم ظالم» و همچنین با ارائه تفسیری متعادل از تئوری «عدالت صحابه» و نیز با به رسمیت شناختن «مذاهب اربعه و مذهب جعفری» و «وحدت اسلامی»، بنیادهای نظری این جریان را تبیین کرد.

ب) سلفیه تقریبی اخوان المسلمین

شاید اولین جرقه‌های تفکر سلفی ابن تیمیه‌ای در مصر را بتوان در سخنان سید محمد رشیدرضا (۱۹۳۷م) جست‌وجو کرد. رشیدرضا شاگرد محمد عبده بود و در ابتدا روش اصلاحی او را پذیرفت؛ اما در دوران اقامت رشیدرضا در مصر دو تن از نوادگان محمد بن عبدالوهاب به مصر آمدند و شروع به انتشار آثار محمد بن عبدالوهاب کردند. رشیدرضا تحت تأثیر افکار آنان با ابن تیمیه آشنا شد و عقاید وی را پذیرفت. وی در مجله المنار به تبلیغ این اندیشه می‌پرداخت و پس از پذیرش تفکرات سلفیه، آثار محمد بن عبدالوهاب را با عنوان مجموعه التوحید به چاپ رساند و خود نیز آثاری همچون الوهابیه و الحجاز را تألیف کرد. رشیدرضا می‌گفت که برای خدا ربع قرن از وهابیت دفاع می‌کند و عبدالعزیز، پادشاه عربستان، را خلیفه عادل می‌داند. بعد از رشیدرضا گسترش تفکر سلفیه در مصر مدیون اخوان المسلمین است که پیرو معتدل تفکرات سلفیه‌اند. اخوان در ۱۹۲۸ توسط حسن البنا در اسکندریه تأسیس شد. شخص حسن البنا گرایش صوفیانه داشت که بازتاب آن در نوشته‌هایش، به خصوص المناجاه دیده می‌شد و از همین جا، جدایی آبخور افکار او از وهابیت آشکار است. بنا خود در تصویری کلی که از دعوتش به دست داده، آن را «دعوتی سلفی، طریقتی سنی، حقیقتی صوفیانه و ساختاری سیاسی...» دانسته است. اخوان المسلمین برنامه اصلاحی خود را در جامعه اسلامی با الهام از آموزه‌های دینی بر سه اصل بنیان نهادند: جامعیت اسلام در تمام شئون زندگی؛ ۲. تأکید بر قرآن و احادیث نبوی به عنوان منبع اصلی اندیشه‌های اسلامی؛ ۳. قابل اجرا بودن احکام و مقررات اسلامی در همه زمان‌ها و مکان‌ها.

حسن البنا خود را تلفیقی از سید جمال، عبده و رشیدرضا می‌داند. آنچه در روایت بنا درخور توجه می‌نماید، نقد «خشونت» و نفی ضرورت کاربرد آن برای تحقق آرمان‌های دینی است که به گمان وی، کاربرد زور را بسیار تحدید و تابع شرایط خاص می‌کند. او تصویری متمایز از سلفی‌گری را ترسیم می‌کند که بر اصالت خشونت استوار نیست. در مقابل، او سیاست‌های اصلاحی و تدریجی را برای بازگشت به اصول اولیه پیشنهاد کرده که طیفی از فعالیت‌های سیاسی و غیرخشونت‌آمیز را شامل می‌شود. اخوان ضمن مسلمان دانستن شیعیان در عین انحراف آنان، قائل به تقریب بین مذاهب اسلامی برای مقابله با استعمار و استکبار است.



– سلفیه معتدل: اخوان‌المسلمین نوین

این جریان در حقیقت ادامه‌دهنده راه حسن البنا با رویکرد اعتدالی است و از ویژگی‌های آن می‌توان به قائل بودن به تقریب مذاهب اسلامی، پرهیز از تکفیر سایر مذاهب و افراطی‌گری، دشمنی با استعمار و استکبار و کفر جهانی و مبارزه با جهل و فساد با موعظه و منطوق نه با جنگ و درگیری داخلی اشاره کرد. از شخصیت‌هایی مانند عمر تلمسانی، حامد ابونصر، محمد مهدی عاکف و ... می‌توان به عنوان پیشگامان این جریان نام برد. این گروه در بخش عرب‌نشین عراق فعالیت گسترده‌ای داشته‌اند؛ اما پس از تسلط حزب بعث در عراق، غالب رهبران آنها روانه زندان شدند.

– سلفیه اربابی-افراطی

از دل تفکرات اعتدالی و تقریبی اخوان‌المسلمین، گرایش افراطی هجرت و جهاد سید قطب بیرون آمد. سید قطب رهبر معنوی اخوان‌المسلمین، در زندان تندرو شد و حلقه ارتباطی میان اخوان‌المسلمین و گرایش‌های افراطی گردید. در واقع، سید قطب به عنوان یک ایدئولوگ مبارز، رهبری تبدیل سلفی‌گری اعتدالی اخوان‌المسلمین به افراط‌گرایی دهه ۱۹۷۰ را به عهده داشت. شاخه‌های اصلی به‌وجودآمده از جنبش اخوان از قرار ذیل است: جماعت المسلمین (التکفیر و الهجره)، جماعات الاسلامیه، سازمان آزادی‌بخش اسلامی، جماعت الجهاد، سازمان «شباب محمد» یا «آکادمی ارتش».

۴. ارزیابی امنیتی اقلیت‌گرایی مذهبی

همان‌گونه که بیان شد، «زمینه‌وندی» امنیت مانع می‌شود که فهمی واحد و الگوی مدیریتی یکسانی در امنیت‌پژوهی و امنیت‌سازی بتوان تجویز کرد. از این منظر و برای بررسی تهدیدهای امنیتی ناشی از اقدامات و عملکرد جریان اقلیت‌گرای مذهبی، در این قسمت به بررسی محورهای اصلی تهدیدهای این جریان می‌پردازیم.

الف) شاخص‌ها و مظاهر تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی در بُعد نرم‌افزاری
از آنجا که هر الگوی فکری و سیاسی مؤثر یا سرمشق، در معرض رقابت و چالش پیدا و پنهان قرار دارد، الگوی انقلاب اسلامی نیز نه تنها از این قاعده مستثنا نیست، بلکه به موازات ارتقای منزلت ایدئولوژیک آن (بر اثر وقوع سلسله دگردیسی‌های بنیادین در مجموع نظریه‌های قدرت و تغییر در رویکرد جنبش‌های سیاسی)، این مسئله به

اولییتی غیر قابل اغماض تبدیل شده است. بی تردید میان این چالش‌ها، تهدیدهای نرم با درون‌مایه هویتی و مسلکی، مهم‌ترین و پیچیده‌ترین چالش موجود فراروی گفتمان انقلاب اسلامی به شمار می‌آید که شکی درباره ماهیت تهدیدآمیز برخی از آنها وجود ندارد. با احتساب تهدیدهای پیرامونی و با عنایت به وزن و اهمیت تهدیدهای نرم، به نظر می‌رسد یکی از خطرناک‌ترین و دغدغه‌انگیزترین آنها، رویکرد خاصی از اسلام‌گرایی و تشدید هویت مذهبی معارض با ایدئولوژی نظام حاکم است که در این پژوهش از آن با عنوان اقلیت‌گرایی مذهبی یاد می‌شود که مصداق بارز آن در کشور جریان‌ها و گروه‌های سلفی هستند.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، می‌توان شاخص‌های کلی تهدیدها و مظاهر هر یک از آنها را در بُعد نرم به شرح ذیل برشمرد:

- زیر سؤال بردن مشروعیت سیاسی حاکمیت

مشروعیت به معنای توجیه‌پذیری اطاعت از قدرت حاکم و قانون، یکی از لوازم ضروری حاکمیت است که شدت و ضعف آن با شدت و ضعف حاکمیت رابطه مستقیم دارد. البته مشروعیت معنای وسیعی دارد و از مبانی مشروعیت تا کارآمدی امتداد می‌یابد (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱: ۲۸-۲۷).

در ادامه به چگونگی تهدید و تخریب مظاهر و نشانگان مشروعیت نظام سیاسی حاکم توسط جریان‌ها و گروه‌های منتسب به مکتب دیوبندی به عنوان یک جریان اقلیت‌گرای مذهبی در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

اعلام یا توسعه مبانی متفاوت و معارض و زیر سؤال بردن ایده نظام سیاسی حاکم: منظور از ایده نظام سیاسی همان فلسفه وجودی نظام سیاسی است. در حقیقت حکومت اسلامی بر مبنای یک نظریه و فلسفه بنیادین شکل گرفته که در نظام ما همان اسلام ناب محمدی (ص) مبتنی بر مکتب تشیع است که مصداق عینی و بیرونی آن جمهوری اسلامی است و با توجه به اینکه جمهوری اسلامی دارای موضع حکومتی و رسمی مذهبی است، بحث اقلیت و اکثریت مذهبی در کشور ما موضوعیت دارد. یکی از ارزش‌های اساسی نظام جمهوری اسلامی، اسلامی بودن (شیعی بودن) نظام سیاسی آن است. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا، وحی الهی، معاد، عدل خدا، امامت و رهبری



مستمر ... دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند... محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران ... و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

همان‌طور که گفته شد، هر نظام سیاسی برای توجیه مشروعیت خود به مبانی خاصی استناد می‌کند. در صورتی که مبانی مشروعیت‌ساز دیگر در کنار مبنای موجود مطرح شوند و این مبانی توان رقابت و توسعه نیز داشته باشند، باید منتظر چالش مشروعیت در نظام موجود بود (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۲۱۶). از این رو، تهدید اساسی نسبت به ایدئولوژی در واقع مرجع امنیت ملی را تهدید می‌کند؛ اما تهدیدهای غیراساسی که بقا و کلیت ایدئولوژی را به مخاطره نمی‌اندازند، ماهیتی امنیتی ندارند؛ لذا با توجه به فعالیت جریان اقلیت‌گرای مذهبی، مهم‌ترین و خطرناک‌ترین تهدید از جانب جریان اقلیت‌گرای مذهبی زیر سؤال بردن ایده حاکمیت یعنی مذهب رقیب خود، تشیع، است.

همان‌گونه که بیان شد، مکتب دیوبند به خصوص نسبت به شیعه با خصومت رفتار می‌کند. یکی از محورهای مخالفت‌ها و خصومت‌های برخی علمای افراطی دیوبندی با شیعه، نگارش کتاب‌های متعدد در رد اعتقادات شیعه است. البته ریشه این مسئله به قرن دهم به بعد می‌رسد. شیخ احمد سرهندی کتابی با نام رساله فی الرد علی مذهب الامامیه دارد که در حقیقت علیه دیدگاه‌های شیعه در مورد خلافت است. همچنین او کتابی به زبان فارسی با نام رد الروافض دارد. شاه ولی الله دهلوی نیز کتاب ازاله الخفاء عن خلافه الخلفاء را تألیف کرد. پس از وی فرزندش شاه عبدالعزیز دهلوی کتاب تحفه اثنا عشریه را نگاشت. در میان نخستین علمای دیوبند نیز می‌توان به مولانا خلیل احمد سهارانپوری اشاره کرد که دو کتاب با نام‌های مطرقه الکرامه علی امراه الامامه و هدایات الرشید الی افحام العنید دارد که هر دو در رد شیعه امامیه بود. در کتابی دیگر با عنوان السراب فی ایران کلمات سریعیه حول الخمینی و الشیعیه دکتر احمد افغانی به مسئله شیعه و تحریف قرآن، شیعه و تقیه، شیعه و تکفیر صحابه می‌پردازد و آرا و نظریات علمای اهل سنت متقدم و متأخر همسو با خود در کفر شیعه را یادآور می‌شود و در پایان نیز به چند شبهه پاسخ می‌دهد. کتاب دیگری که می‌توان به عنوان اثری نسبتاً علمی

در این زمینه اشاره کرد، صورتان متضادان عند اهل سنه و الشیعه الامامیه است که توسط ابی الحسن ندوی تألیف شده است. در این کتاب نیز به زعم مؤلف، برخی اشتباه‌های شیعه بیان شده و در پایان به نقد دیدگاه‌های حضرت امام(ره) پرداخته است. همین نویسندگان کتاب دیگری با نام اسمعی یا ایران دارد که در آن مطاعن بسیاری به شیعه نسبت داده شده است. کتابی نیز با نام رد شیعیات توسط جمال احمد میرتهی نوشته شده که انتشارات دارالعلوم دیوبند به چاپ رسانده است.

آنچه در این میان حائز اهمیت است، نقطه تلاقی وهابیت و دیوبندی‌ها در مقابله با شیعه است؛ اما طیف افراطی علمای دیوبند توجهی به این واقعیت ندارند که اختلافات آنان و دشمنی وهابیت با آنها، نه تنها کمتر از اختلافات آنان با شیعه نیست، بلکه به مراتب بیشتر است. علاوه بر موارد فوق، در بسیاری از نوشته‌ها و اظهارنظرهای بزرگان مکتب دیوبند، برخوردهای اهانت‌آمیز و غیرعلمی با شیعه به وفور دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که کمتر عالمی از علمای دیوبندی را می‌توان یافت که تعریضی دست‌کم در یکی از کتاب‌هایش به شیعه نداشته باشد (ر.ک: علیزاده موسوی، ۱۳۸۲).

زیر سؤال بردن ساختار قانونی نظام سیاسی حاکم: ایده‌ای که بر مبنای آن حکومت جمهوری اسلامی بنا نهاده شد، در مقام عمل، ساختار و فرمولی حقوقی برای خود ترسیم کرده که همان قانون اساسی و ساختارهای قانونی است که نظام اسلامی بر مبنای آنها شکل گرفته است. همان‌طور که گفته شد، در قانون اساسی، مذهب رسمی کشور، مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است و سایر مذاهب اسلامی گرچه به رسمیت شناخته شده و محترم‌اند، اما امکان دسترسی به پست‌های اصلی کشوری مانند ریاست جمهوری را ندارند.

مطابق نگرش شیعه، آن‌گونه که امام خمینی(ره) بیان داشته‌اند و با انقلاب اسلامی به عنوان مرجع ایدئولوژیک نظام سیاسی پذیرفته شده است، قدرت سیاسی مشروع استوار نمی‌شود مگر آنکه بر بنیاد اصول اسلامی و در مجرای علم، عدالت و پذیرش مردمی قرار گیرد. با این تلقی، نظام سیاسی در اتصال با جریان قدرت از ناحیه شارع و استمرار آن در بستر رسالت و امامت معنا می‌یابد. معنای این سخن آن است که نظام سیاسی در گفتمان سیاسی شیعه بر محوریت «حکم الهی» قرار دارد و به همین علت امام خمینی(ره) اصل مترقی «ولایت فقیه» را مطرح فرمودند که در مقام حکومت‌داری، به عنوان استمرار حکومت اسلامی در عصر غیبت تلقی می‌شود. بر این اساس، در قانون اساسی چنین آمده است: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر(عج) در



جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌شود». جامعه دیوبندی پاکستان متأثر از علمای هندوستان چنین دیدگاهی ارائه کرده است. برای نمونه در نشریه الفاروقیه، ارگان دارالعلوم فروقیه کراچی، آمده است: «اینکه امام مسلمین رافضی باشد، نه جایز است و نه سزاوار و نه صحیح؛ زیرا امام جماعت مسلمین نمی‌تواند کافر باشد. واجب است مسلمانان اگر استطاعت جهاد و مبارزه را دارند، علیه حکومت رافضی که بر اهل سنت ایران حکم می‌راند، قیام کنند» (ر.ک: علیزاده موسوی، ۱۳۸۲).

لذا جریان اقلیت‌گرایی مذهبی در ایران متأثر از عقبه خارجی خود با ساختار قانونی نظام سیاسی حاکم مخالفت می‌کند.

زیر سؤال بردن کارآمدی نظام سیاسی حاکم: در اینجا جریان اقلیت‌گرا به دنبال آن است که به شیوه‌های مختلف مانند سیاه‌نمایی، بزرگ‌نمایی و برجسته‌سازی نقاط ضعف دولت و برخی نارسایی‌ها و منتسب کردن همه کاستی‌ها و کمبودها به ناکارآمدی و عملکرد ضعیف دولت، با بالا بردن سطح توقعات مردم از دولت و ... در درجه اول بر نامطلوب جلوه دادن وضع موجود تأکید و به مردم این‌گونه القا کند که حکومت توان و ظرفیت اداره امور جامعه را ندارد؛ سپس با ناممکن جلوه دادن رسیدن به وضع مطلوب و مورد انتظار، بر گسترش ناامیدی در صورت وجود نظام فعلی تأکید ورزد و بستر لازم را برای مقابله با نظام فراهم کند و از این طریق، عملکرد نظام جمهوری اسلامی را ضعیف نشان دهد و کارآمدی آن را با چالش مواجه کند.

ب) به مخاطره انداختن اتحاد و انسجام ملی

همان‌طور که گفته شد، وحدت ملی پایه، مبنا و اساس حفظ امنیت، ثبات سیاسی و توسعه جامعه است و در صورت بروز هر گونه اخلال و تزلزل در آن، تمام سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی که نظام برای تحول همه‌جانبه طرح‌ریزی کرده است، متوقف خواهد شد یا تغییر خواهد کرد. به عبارت دیگر، دولت قوی، دولتی است که از انسجام بالایی برخوردار باشد. حال به بررسی تأثیر اقلیت‌گرایی مذهبی بر اتحاد و انسجام ملی می‌پردازیم:

کارکرد اقلیت‌گرایی مذهبی در تشدید هویت معارض با هویت ملی: گفته شد که میان عناصر و مؤلفه‌های وحدت ملی و عوامل مؤثر بر آن، موضوع هویت ملی جایگاه خاص و برجسته‌ای دارد.

دین از بُعد جامعه‌شناختی موجب انسجام و یگانگی میان افراد و جوامع می‌شود. اعتقاد به باورها، ارزش‌ها و نمادهای مشترک، همدلی و هماهنگی را میان مؤمنان ایجاد و تقویت می‌کند. امیل دورکیم در بررسی کارکردهای اصلی دین به چهار مورد اشاره کرده است که عبارت‌اند از: انضباط‌بخشی، انسجام‌بخشی، حیات‌بخشی و اعطای خوشبختی (کوزر، ۱۳۶۷: ۲۰۰). بسیاری از جامعه‌شناسان اذعان دارند که دین به واسطه توافقی که بین انسان‌ها ایجاد می‌کند، نوعی نظم و هماهنگی را بین آنها به ارمغان می‌آورد؛ اما فرقه‌گرایی مذهبی یکی از عواملی است که مانع بروز کارکرد انسجام‌بخش دین می‌شود. در این چهره، دین مشابه خط گسل و شکاف اجتماعی عمل می‌کند و موجب تجزیه و انشقاق شهروندان می‌شود. در این شرایط، فرقه‌های مذهبی با تأکید بر وجه «تمایز» هویت مذهبی خود با سایر آحاد جامعه، بر مرزبندی و جداسازی «خود» و «دیگران» تأکید می‌ورزند و گروه‌های منشعب اغلب در جست‌وجوی تشکیل جماعتی کوچک‌تر از جامعه ملی‌اند و فرایند ادغام اجتماعی را مختل می‌کنند.

نخبگان جریان اقلیت‌گرای مذهبی به شیوه‌های مختلف به دنبال احیا و برجسته‌سازی هویت مذهبی معارض با هویت ملی هستند و دائم بر طبل اختلاف می‌کوبند. در واقع یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقلیت‌گرایی مذهبی، ابتدای آن بر افراط در تشدید و برجستگی هویت مذهبی خود در مقابل هویت‌های دیگر است. در جامعه‌ای مثل ایران که مذهب از مهم‌ترین ارکان تشکیل‌دهنده هویت ملی است، فعالیت جریان اقلیت‌گرا می‌تواند آسیب‌ها و ضربات جبران‌ناپذیری بر هویت ملی جامعه و از آن طریق بر وحدت و انسجام ملی وارد کند.

علاوه بر موارد یادشده و با توجه به مباحث مطرح‌شده در بخش مفاهیم، می‌توان گفت اقلیت‌گرایی مذهبی به طرق مختلف مؤلفه‌ها و عناصر مختلف تشکیل‌دهنده هویت ملی را در ابعاد ذیل با چالش مواجه می‌کند:

- مؤلفه‌های اجتماعی هویت ملی شامل احساس تعلق و عضویت به جامعه ایران، تمایل به زندگی و عضویت، تمایل به حفظ یکپارچگی و به هم‌پیوستگی اجتماع، پذیرش دیگران به عنوان هموطن، احساس غرور و افتخار به عضویت در جامعه ایران؛
- مؤلفه‌های جغرافیایی هویت ملی شامل نگرش مثبت به سرزمین و تعهد برای دفاع از سرزمین؛

- مؤلفه‌های تاریخی هویت ملی شامل احساس غرور و افتخار به تاریخ ایران و علاقه

به آثار تاریخی؛



- مؤلفه‌های فرهنگی هویت ملی شامل ارزش قائل شدن به فرهنگ ملی، نگرش به زبان فارسی و ارتباط با سایر خرده‌فرهنگ‌های جامعه ملی؛

- مؤلفه‌های سیاسی هویت ملی شامل نگرش مثبت به پرچم جمهوری اسلامی و افتخار به آن و تمایل به حفظ یکپارچگی سرزمینی.

کارکرد اقلیت‌گرایی مذهبی در تضعیف عناصر سرمایه اجتماعی: برای اینکه مشخص شود اقلیت‌گرایی مذهبی چگونه سرمایه اجتماعی را به عنوان هدف وجودی مورد آماج قرار می‌دهد، باید ارکان سرمایه اجتماعی تجزیه و تحلیل شود. عموماً پنج رکن اساسی برای سرمایه اجتماعی قابل شناسایی است که عبارت‌اند از: اعتماد (به عنوان عنصر هنجاری سرمایه اجتماعی)؛ اعتبار (به عنوان عنصر ارتباطی سرمایه اجتماعی)؛ وفاداری (به عنوان عنصر اعتقادی سرمایه اجتماعی)؛ امید (به عنوان عنصر آینده‌شناختی سرمایه اجتماعی) و پیوند (به عنوان عنصر پیونددهنده سرمایه اجتماعی).

کارکرد اصلی جریان اقلیت‌گرای مذهبی در خصوص سرمایه اجتماعی، تأثیرگذاری بر پنج رکن یادشده است که در این فرایند، ارکان موصوف تبدیل به اعتمادسوزی، بی‌اعتباری، کاهش وفاداری، ناامیدی و کاهش پیوند می‌شود. نتیجه غایی تحقق این مراحل فروپاشی همبستگی ملی است.

کارکرد اقلیت‌گرایی مذهبی در تضعیف گرایش به قانون: گرایش به قانون به معنای پذیرش ارادی قوانین و قواعد و هنجارهای اجتماعی، از عناصر مهم همبستگی اجتماعی در جامعه است. بی‌اعتنایی به اجرای قانون، قضاوت منفی درباره اجرای عدالت از سوی مسئولان، تشویق به عدم رعایت قوانین، ناعادلانه خواندن قوانین کشور، تشویق جامعه اقلیت به نافرمانی مدنی و ... از اقدامات دیگر نخبگان اقلیت‌گرای مذهبی است که نقش مهمی در تضعیف وحدت و همبستگی ملی دارد.

ج) تسهیل نفوذ و دخالت بیگانگان و تسهیل ورود غیرقانونی اتباع بیگانه

در عرصه روابط بین‌الملل، کشورها و قدرت‌های مختلف از ابزارهای متفاوت برای نفوذ و تحت فشار قرار دادن دولت‌های رقیب بهره می‌جویند. به تجربه ثابت شده است که اقلیت‌ها، ابزار و محمل مناسبی برای دخالت و نفوذ قدرت‌های خارجی، به ویژه قدرت‌های بزرگ سیاسی و جهانی در امور سایر کشورها به شمار می‌روند. قدرت‌های بزرگ از اقلیت‌ها برای نفوذ و تأثیر بر اراده سیاسی حکومت‌های دیگر استفاده می‌کنند. در این صورت، اقلیت‌های وابسته مانند اسب تروای دشمن عمل و

زمینه حضور و دخالت عوامل خارجی را درون جامعه فراهم می‌کنند. افزون بر این، اقلیت‌های مذهبی می‌توانند به عنوان عامل بی‌ثباتی سیاسی، نقش چندگانه ذیل را هم‌زمان ایفا کنند:

- به تحریک عامل خارجی، علیه دولت مستقر فعالیت کنند. انسجام و ساختار شبکه‌ای این اقلیت‌ها، هزینه دولت‌های خارجی را در تحمیل اراده و نفوذ در سایر جوامع به شدت کاهش می‌دهد.

- دول خارجی به بهانه «حمایت از حقوق بشر» و «آزادی بیان»، دولت‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند.

- چون بسیاری از اقلیت‌ها فعالیت فرامرزی دارند، محمل و منبع مهم برای نفوذ و کسب اطلاعات از سوی دول خارجی محسوب می‌شوند.

در دهه‌های اخیر، تلقی و رویکرد ابزاری دولت‌های مقتدر و استعماری به اقوام و اقلیت‌های دینی- مذهبی پررنگ‌تر شده است. جوامع دینی- مذهبی به تناسب برجستگی مسائل دینی و مذهبی در آنها که متضمن و موجد افتراق و اختلاف و رقابت است و در نتیجه به صورت بالقوه مستعد خشونت و درگیری هستند، همچون ابزاری ارزان در دست بیگانگان به منظور دستیابی به مطامع و نیات خویش نظیر تضعیف و تجزیه کشورهای به بازی گرفته می‌شوند.

جماعت تبلیغی یکی از مهم‌ترین جریان‌های مکتب دیوبند است. در حال حاضر از حدود ۱۱ کشور، جماعت‌های تبلیغی به جمهوری اسلامی ایران وارد می‌شوند و به فعالیت تبلیغی می‌پردازند. البته این جریان گاهی ضرباتی به جمهوری اسلامی وارد کرده است که اوج آن در حوادث مربوط به دوران طالبان و حمله آمریکا به افغانستان و بحران القاعده بود. در دوران طالبان، یکی از مهم‌ترین کانال‌های ارتباطی میان طالبان و جریان‌های تند افراطی، جماعت‌های تبلیغی بودند و در جذب طلاب برای شرکت در حرکت طالبان از این حرکت استفاده می‌شد. پس از حمله آمریکا نیز برخی از اعضای شبکه القاعده در قالب گروه‌های تبلیغی وارد ایران شدند و در گوشه و کنار کشور در پوشش جماعت تبلیغی مخفی شدند. از سوی دیگر بسیاری از گروه‌های جماعت تبلیغی از پاکستان که غرق در بحران‌های مذهبی و فرقه‌گرایی است، به ایران می‌آیند. این گروه‌ها نیز طرفدار مکتبی هستند که بیشترین مخالفت‌ها و دشمنی‌ها را با شیعه و جمهوری اسلامی ایران در طول تاریخ انقلاب اسلامی از خود نشان داده‌اند.



– کاهش نفوذ حاکمیت

یکی از شاخص‌های سنجش وضع حاکمیت، میزان نفوذ آن است. مقصود از نفوذ، اجرا و عملی شدن نیت (دستورها، تصمیم‌ها، قوانین و ...) حاکمیت یا میزان پیروی و همسانی مردم با سیاست‌های حاکمیت است. چنانچه فاصله و شکاف بین نیت و تحقق آنها زیاد و غیرمتعارف باشد، قدرت سیاسی ضعیف ارزیابی خواهد شد (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۲۲۷-۲۲۶).

افزایش نرخ احکام و دستورهای بلااجرا: چنانچه دستورها و احکام حکومت به صورت شایع، وسیع و به ویژه علنی اجرا نشود، حاکمیت در معرض تهدید قرار گرفته است. افزایش گروه‌های تحت تعقیب و مجازات‌شده: خطوط قرمز هر نظام سیاسی به طور متعارف باعث می‌شود افرادی از حوزه طبیعی و اعتماد سیاسی- اجتماعی دور شوند. هر چه بر تعداد این گروه‌ها افزوده شود، توان و نفوذ حاکمیت در جامعه سیاسی کاهش می‌یابد.

– ارتباط با سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه و افزایش آفندهای جاسوسی

یکی از شاخص‌های تهاجم نرم به کار بستن هدفمند جاسوسی چندبعدی از کشور آماج است. بهره‌گیری از ظرفیت‌های گروه‌های منتسب به جریان‌های اقلیت‌گرا، یکی از روش‌های جاری جاسوسی مخالفان نظام برای رصد، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات از فضای داخلی کشور است؛ از این رو، نگاه سطحی به دورنمای تهدیدهای نرم‌افزاری ناشی از تحركات جریان اقلیت‌گرای مذهبی در ایران می‌تواند این جریان را به ابزار جاسوسی برخی کشورهای منطقه یا کشورهای سلطه‌طلب تبدیل کند. نگاه سطحی به دورنمای آسیب‌های ناشی از تحركات گروه‌های افراط‌گرای منتسب به مکتب دیوبندیه در ایران نشان می‌دهد که این گروه‌ها می‌توانند به گروه‌های فشار یا ابزار جاسوسی برخی کشورهای منطقه تبدیل شوند که باید مورد توجه نهادهای اطلاعاتی- امنیتی قرار گیرد. (دلاورپور اقدم، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

– سیاسی کردن مطالبات و خواسته‌های جامعه اقلیت

امر سیاسی به موضوعی اطلاق می‌شود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم معطوف حکومت حاکم یا هیئت حاکمه باشد. تا هنگامی که تحركات و خواسته‌ها، مراجع سیاسی را وارد نمی‌کنند، با امر غیرسیاسی سر و کار داریم. آن‌گاه که کسی یا گروهی

تنگناها و کمبودها را به عملکرد حکومت نسبت دهد، مطالبه و حرکت آن گروه یا فرد، سیاسی می‌شود. این موضوع می‌تواند نارضایتی‌های عادی را به پدیده‌ای خطرناک تبدیل کند. در حقیقت با سیاسی شدن مطالبات اعضا، اقلیت مذهبی به ویژه نخبگان، هر گونه کمبود و تنگنایی را متوجه تعارض مذهبی خود با حکومت می‌کنند و این باور را ترویج می‌دهند که دلیل عدم رفع کمبودها حتی از نوع اقتصادی یا فرهنگی آن توسط حکومت، تعارض مذهبی حکومت با آنهاست.

- قطبی کردن جامعه و تشدید شکاف‌های اجتماعی

جریان اقلیت‌گرای مذهبی به دنبال تشدید هویت مذهبی است. موضوع هویت مذهبی و الگوی آن در ارتباط با هر دینی متفاوت است؛ زیرا هویت مذهبی به شدت به ماهیت و تاریخ ادیان، تاریخ جنبش‌های مذهبی و نوع عقاید دینی مربوط می‌شود. بنابراین، در اندازه‌گیری هویت مذهبی در هر دینی خاص باید به ترجیحات دینی، نوع طبقه‌بندی فرقه‌ها و ارزش‌ها و نگرش‌های مذهبی هر کدام توجه کرد. به طور مشخص، هویت دینی را دارای سه بعد ذیل دانسته‌اند: آگاهی فرد به نحوه ارتباطش با دین؛ پیامدهای ارزشی معمولاً مثبتی که فرد بر این ارتباط مترتب می‌داند؛ احساس خاص فرد از دین یا نسبت به دین خاص و نسبت به دیگرانی که با دین رابطه‌ای مشابه دارند. می‌توان گفت هویت دینی به معنای احساس تعلق و تعهد فرد نسبت به باورها، احکام و ارزش‌های دینی است. هویت دینی به عنوان هویت جمعی، متضمن آن سطح از دینداری است که با «ما»ی جمعی یا همان اجتماع دینی یا امت مقارنت دارد (دوران، ۱۳۸۵: ۸۴).

- مشارکت هدفمند یا کاهش مشارکت در انتخابات

منظور از مشارکت، پذیرش دخالت داوطلبانه اشخاص یا گروه‌های سیاسی، اقتصادی و ... در حاکمیت و قدرت از سوی حاکمیت است؛ بنابراین، میزان مشارکت با میزان چنین پذیرش و دخالتی شناسایی می‌شود (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۴۷). در نظام‌های مردم‌سالار مشارکت به طور طبیعی با مشروعیت ارتباط دارد. البته مشارکت باید با ظرفیت پاسخگویی تناسب داشته باشد والا مشارکت بالا بدون وجود ظرفیت‌های جذب و پاسخگویی، به بحران سیاسی منجر خواهد شد.

در فرضی طبیعی که در آن ظرفیت کافی برای مشارکت وجود دارد، نبود یا



کاهش مشارکت باعث کاهش قدرت و ضعف حاکمیت است. در صورتی که اعلام به عدم مشارکت یا تحریم مشارکت به صورت غیرمتعارف افزایش یابد، نشانه واضحی از چالش‌های مشارکت ایجاد شده است. این نوع اقدامات، علامت منفی برای حوزه مشروعیت و نفوذ حاکمیت است. مشارکت هدفمند به معنای تشویق اعضای جامعه به حمایت و رأی دادن به فردی که با حاکمیت زاویه دارد نیز از علائم منفی دیگر برای حوزه مشروعیت و نفوذ حاکمیت است.

- تخریب چهره بین‌المللی حاکمیت

تلاش برای مخدوش کردن چهره سیاسی دولت‌ها، یکی دیگر از مظاهر تهدیدهای نرم است که موجب در انزوا قرار گرفتن دولت و محدود کردن نقش‌آفرینی آن در صحنه بین‌المللی می‌شود و بر مؤلفه‌های قدرت نرم دولت‌ها آثار نامطلوبی می‌گذارد.

(ب) شاخص‌ها و مظاهر تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی در بُعد سخت‌افزاری

- افزایش میزان رفتارهای خشونت‌آمیز (اقدامات تروریستی)

ظهور افراط‌گرایی خشن با انگیزه‌های مذهبی تحول مهمی در قلمرو چالش‌ها و مسائل قومی و مذهبی در ایران به شمار می‌رود. حمله به نیروهای انتظامی-امنیتی، گروگان‌گیری مردم و نیروهای نظامی، حملات انتحاری به مساجد و مراسم مذهبی شیعیان و حملات انتحاری به مراکز انتظامی و مسئولان نظامی، نمودهای افراطی‌گرایی و خشونت‌گرایی قومی-مذهبی است که نتیجه آن کشته و مجروح شدن ده‌ها نفر در سال‌های گذشته بوده است. بدون تردید دیدگاه و مواضع تند برخی بزرگان افراطی و متعصب منتسب به مکتب دیوبند نسبت به شیعه و انقلاب در خارج از کشور موجب مخالفت و مبارزه با انقلاب و شیعه میان برخی وابستگان به این جریان در داخل کشور و به تبع آن افزایش میزان رفتارهای خشونت‌آمیز شده است. نمود بارز آن شکل‌گیری جریان‌ها و اپوزیسیون‌های مختلف مخالف انقلاب در داخل و خارج از کشور است. برخی از این گروه‌ها عبارت‌اند از: انجمن طلاب اهل سنت ایران^۱، سازمان اهل سنت ایران^۲، الفرقان، جند الشیطان و جیش العدل که عمدتاً در جنوب شرق کشور فعال هستند.

۱. این گروه مواضع تندی نسبت به انقلاب و شیعه داشت و نشریه‌ای را به زبان فارسی به نام پیام حق منتشر می‌کرد. این نشریه متأثر از فضای پاکستان نشریه‌ای ضد شیعی بود و انقلاب را انقلابی شیعی می‌شمرد.

۲. این حزب نیز متشکل از برخی از مولویان ناراضی استان سیستان و بلوچستان بود. این گروه مواضع تندتری داشت و نشریه‌ای به نام اذان مجاهد منتشر می‌کرد و محتوای آن هجم عقاید شیعه و توهین به مقدسات شیعه و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بود.



- افزایش گرایش به خودمختاری و استقلال طلبی

کشورهای دارای تکثرهای قومی، نژادی و مذهبی گاهی در معرض اقدامات تجزیه طلبانه قرار می گیرند. این نشانه از درخواست های تجزیه طلبانه^۱ در مقالات، اعلامیه ها و ... آغاز می شود تا اقدامات عملی مانند طراحی تجزیه طلبی حتی تا اعلام جدایی و تجزیه یک منطقه ادامه می یابد.

از سوی دیگر، چنانچه اقوام، نژادها یا مذاهب داخل کشور دیگر (معمولاً همسایگان) دارای اشتراکات تاریخی و هویتی باشند، با داعیه وحدت طلبی یا تشکیل ملت و دولت واحد، تمامیت ارضی را به مخاطره می اندازند. البته شدت و ضعف این نوع اقدامات به عوامل زیادی از جمله سطح افراطی گری در تحرکات، سیاست های قومی و نژادی... دولت مفروض و سطح توسعه نیافتگی و رفاه مناطق اقلیت نشین بستگی دارد.

اگرچه تحرکات تجزیه طلبانه یا وحدت طلبانه لزوماً به صورت مسلحانه انجام نمی شود، اما در بسیاری موارد، کاربرد سلاح در آنها وجود دارد. در چنین مواردی، بر اثر تهدید تمامیت سرزمینی، نیروهای مسلح مأموریت هایی برای حفاظت از تمامیت ارضی پیدا می کنند.

این تهدید در برخی موارد، تهدید خارجی محسوب می شود. برای مثال ممکن است شورش تجزیه طلبی در یک کشور به همسایه آن نیز سرایت کند (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۵۸). بدیهی است اقدامات مذکور با توجه به میزان غیرمتراف بودن شان، با درجاتی از بی ثباتی ارتباط پیدا می کنند.

- افزایش هزینه های نظامی، اطلاعاتی- امنیتی و پلیسی

تقریباً تمام کشورها (حتی قدرت های بزرگ) با محدودیت های منابع روبه رو هستند؛ بنابراین نمی توانند به طور نامحدود و مستمر از منابع مالی در حوزه نظامی- امنیتی استفاده کنند. ورود به جنگ ها و منازعات داخلی و حتی خارجی وسیع و نسبتاً طولانی، علامتی از کاهش منابع مالی و به تبع آن کاهش اقتدار دفاعی- نظامی است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۰۲).

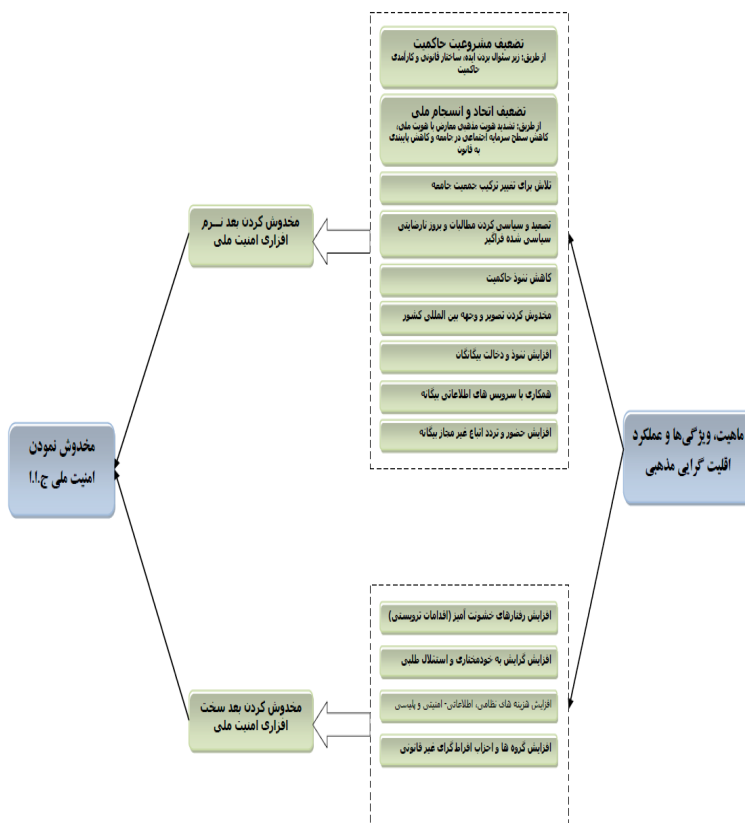
افزایش فعالیت های سخت افزارانۀ نیروهای معارض حاکمیت باعث می شود نظام سیاسی برای به کنترل درآوردن اوضاع، حضور نیروهای پلیس، اطلاعاتی- امنیتی و در نهایت نیروهای مسلح خود را افزایش دهد. این افزایش هزینه های نظامی، اطلاعاتی- امنیتی و پلیسی در کشور باعث کاهش منابع مالی و تضعیف نیروی انسانی (کمی و کیفی) در نیروهای امنیتی- نظامی می شود؛ لذا باید این را شاخصی از تهدیدهای قدرت سخت افزاری کشور تلقی کرد.

افزایش گروه‌ها و احزاب افراط‌گرای غیرقانونی

تشکیل یا افزایش سازمان‌ها، احزاب سیاسی- مذهبی و تشکل‌های پنهان و آشکار افراط‌گرای غیرقانونی را که به صورت سازمان‌یافته و تشکیلاتی علیه حاکمیت اقدام می‌کنند، باید شاخصی از تهدیدهای قدرت سخت‌افزاری کشور دانست. یکی از فعالیت‌های برخی علمای افراطی و متعصب دیوبند پاکستان علیه انقلاب اسلامی ایجاد تشکیلات و احزاب تازه تأسیس برای مقابله با تشیع و انقلاب اسلامی ایران مانند تأسیس سواد اعظم اهل سنت، سپاه صحابه و لشکر جنگوی و طیبه و تعمیم مبارزه مجدد و گسترده با فرهنگ انقلاب اسلامی و تشیع بوده است.

۵. الگوی تحلیلی پژوهش

بر اساس ماهیت و عملکرد جریان اقلیت‌گرای مذهبی و تهدیدهای نرم و سخت امنیت ملی در جمهوری اسلامی، الگوی تحلیلی پژوهش به صورت نمودار ذیل ارائه می‌شود:



نمودار ۲: الگوی تحلیلی پژوهش

نتیجه‌گیری

با وجود اینکه جمهوری اسلامی ایران در کلیت، اجتماعی ملی است، در عین حال این اجتماع، کلّ مرکبی است که درون آن، خیل عظیمی از تنوع، تکثر و چندگانگی به چشم می‌خورد. این طیف وسیع دربرگیرنده مجموعه عناصری است که ترکیب قومی، نژادی، فرهنگی، زبانی، دینی و مذهبی کشور را شکل می‌دهند. از منظر دینی و مذهبی، جامعه ایران جامعه‌ای متکثر است؛ به این معنا که ساختار جمعیتی در ایران همان سان که با پدیده کثرت‌گرایی قومی و فرهنگی روبه‌روست، به همان اندازه با تکثر دینی و مذهبی مواجه است. در این معنا گرچه دین رسمی کشور، اسلام و مذهب رسمی، تشیع است، اما در کنار اکثریت مسلمانان شیعه، اقلیت‌های دینی و مذهبی فراوانی زندگی می‌کنند که اتفاقاً هم از نظر کمی، تعداد قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهند و هم از نظر شدت تعلقات و تمایلات مذهبی، پیروان سخت‌مقید و پای‌بند دارند. این مسئله به خودی خود می‌تواند بستر کاهش ضریب فرهنگ‌پذیری و انسجام اجتماعی جامعه به شمار آید؛ لذا لازمه حفظ همبستگی و وحدت ملی، هوشیاری و سیاست‌گذاری‌های بلندمدت برای مدیریت درست این امر است. پژوهش حاضر به منزله تمهیدی برای بازشناسی تهدیدهای ناشی از فعالیت‌های بخش افراط‌گرای مکتب دیوبندی به عنوان یکی از جریان‌های اقلیت‌گرای مذهبی در ایران به شمار می‌آید.

دیوبندیه یکی از سه جریان اصلی سلفیت بین‌اهل سنت است که نزدیک‌ترین آرا و افکار را با وهابیت دارد و به خصوص با شیعه با خصومت رفتار می‌کند. گروه‌هایی مانند سپاه صحابه، لشکر جهنگوی و طالبان هم که از دل دیوبندیه بیرون آمدند، ریختن خون شیعه را جایز می‌دانند. گسترش فعالیت‌های این جریان در مناطق شرقی کشور به ویژه بلوچستان ایران موجب تشدید هویت مذهبی و شکل‌گیری اقلیت‌گرایی مذهبی در این منطقه شده است. در حال حاضر یکی از کانون‌های قومی- مذهبی جمهوری اسلامی ایران، بلوچستان و مناطق سنی‌نشین شرق و جنوب شرق کشور است. این مناطق تحت تأثیر گرایش‌های سلفی و دیوبندی حوزه‌های علمیه پاکستان، افغانستان و عربستان در معرض پذیرش جریان‌های رادیکال شیعه‌ستیز و ضد نظام جمهوری اسلامی هستند.

فعالیت‌های گروه‌های افراطی منتسب به مکتب دیوبند در ایران طیفی از تهدیدهای نرم تا سخت را علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی داشته و خواهد داشت. در حوزه تهدیدهای نرم‌افزاری امنیت ملی مهم‌ترین شاخص‌های تهدید این جریان تضعیف مشروعیت نظام، تضعیف انسجام ملی، تضعیف عناصر سرمایه اجتماعی، تضعیف مؤلفه‌های هویت ملی ... بوده و بین مؤلفه‌های تهدیدهای سخت‌افزاری امنیت ملی مهم‌ترین شاخص‌ها افزایش رفتارهای خشونت‌آمیز (اقدامات تروریستی) و افزایش گروه‌ها و احزاب افراط‌گرای غیر قانونی و ... است.



منابع فارسی

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- آرکلگ، استوارت (۱۳۷۹)، چارچوب‌های قدرت، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳/الف)، اقلیت‌گرایی دینی؛ طراحی یک چارچوب تحلیلی، تهران: تمدن ایرانی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۰)، برآورد تهدید؛ رویکردی نظام‌واره، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، «چهره‌های قدرت: گذار از سخت‌افزارگرایی به نرم‌افزارگرایی»، در: جوزف نای، قدرت نرم، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳/ب)، «در باب جنگ: معنا و مقام جنگ در گفتمان‌های امنیتی معاصر»، فصلنامه راهبرد دفاعی، س ۲، ش ۵ پاییز.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۷)، رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- الطایی، علی (۱۳۷۸)، بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان.
- بزرگ‌زاده، عبدالباسط و نورالنسا ملازاده (۱۳۸۷)، زندگی‌نامه مولانا عبدالعزیز ملازاده، تهران: نشر احسان.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پای، لوسین دلبیو و دیگران (۱۳۸۰)، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۸۱)، مشروعیت و بحران مشروعیت از دیدگاه نظری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹)، «مرجع امنیت در کنش گفتاری امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۳، ش ۳ و ش ۴۹ پاییز.
- جزینی علیرضا و عظیم‌علیزاده (۱۳۹۰)، مدیریت عملیات پلیس در جنگ نرم، تهران: معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- جمشیدیان، هادی (۱۳۸۹)، «مفهوم امنیت نرم و راهکارهای تحقق آن»، در مجموعه مقالات همایش امنیت نرم، تهران: دانشکده امام هادی (ع)، ج ۲.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- دلاورپور اقدم، مصطفی (۱۳۸۹)، امنیت نرم و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها.

- دوران، بهزاد (۱۳۸۵)، گزارش طرح تحقیقاتی هویت اجتماعی، فاز اول، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ردادی، محسن (۱۳۸۹)، منابع قدرت نرم (سرمایه اجتماعی در اسلام)، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- روحانی، حسن (۱۳۸۹)، امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۷)، نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ساجدی، سعید (۱۳۸۸)، اصول و مبانی جنگ نرم، تهران: دانشکده اطلاعات.
- سنایی راد، رسول (۱۳۸۹)، پیش‌درآمدی بر شناخت جنگ نرم، تهران: مرکز مطالعات، تحقیقات و آموزش وزارت کشور.
- سیاح، احمد (۱۳۷۱)، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات اسلام.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶)، تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)، تهران: ابرار معاصر.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۸)، «طرح‌ریزی الگوی کلان امنیت نرم»، فصلنامه مدیریت بحران، سال اول، ش ۳-۴، بهار و تابستان.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، پژوهش و تحقیق، امنیت نرم، تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۳)، مبانی هویت و بحران هویت، تهران: جهاد دانشگاهی.
- علیزاده موسوی، سیدمهدی (۱۳۸۲)، مکتب دیوبند و جنبش جماعت تبلیغ، پایان‌نامه سطح سه حوزه علمیه قم.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، جزوه فلسفه امنیت در اسلام، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۷۸)، خشونت سیاسی؛ نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها، تهران: پیام امروز.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۶)، «تد رابرت گر و روش نوین مطالعه جنبش قومی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳۷.
- قلی‌زاده، سید ابراهیم (۱۳۸۵)، تأثیر معضلات اجتماعی در برقراری امنیت تهران، تهران: دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم(ص)، مرکز مطالعات ملی امنیت پایدار.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۹)، ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریمی، وهاب (۱۳۸۸)، جمعیت و امنیت اجتماعی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی، دفتر گسترش و تولید علم.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۴)، روان‌شناسی اجتماعی، تهران: ارسباران، چ یازدهم.



- کلینتون، دیوید (۱۳۷۹)، دو رویه منفعت ملی، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوزر، لوئیس (۱۳۶۷)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی و فرهنگی.
- گروه مطالعات جنگ نرم (۱۳۸۸)، «جنگ نرم: از تهدید تا پاسخ»، فصلنامه مدیریت بحران، سال اول، ش ۳-۴، بهار و تابستان.
- گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی، شاخص‌ها و ابعاد، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- لیک، دیوید و مورگان پاتریک ام. (۱۳۸۱)، نظم‌های منطقه‌ای، امنیت سازی در جهانی نوین، ترجمه جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹)، «بسترهای فرهنگی و اجتماعی در جنگ نرم»، فصلنامه مطالعات بسیج، س ۱۴، ش ۵۰، بهار.
- مجمع جهانی صلح اسلامی (۱۳۸۸)، مجموعه سخنرانی‌های همایش اسلام قربانی تروریسم، تهران: مجمع جهانی صلح اسلامی.
- مرادی، حجت‌الله (۱۳۸۸)، قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران: ساقی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۵)، محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر تهدیدات مرزی، تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، چ ۸، ج ۱.
- نصری، قدیر (۱۳۸۹)، بنیان‌ها و موازین اقلیت‌پژوهی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

منابع لاتین

- Guralink, David –Edi– (1982), *Webster's New World Dictionary*, New York: Simon and Schuster.
- Maunch, Richard (1993), *Parson Lan Theory, In Search of a New Synthesis*, Cambridge.
- Waver, Ole (1988), "Insecurity, Security & Asecurity in Western European Non-war Community", in Emanuel Adler & M. Barnett (Eds), *Security Communities*, Cambridge: Cambridge Universty Press.
- Woodward, Kath (2000), *Questioning Identity: Gender, Class, Nation*, London, Routledge, the Open University.